



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

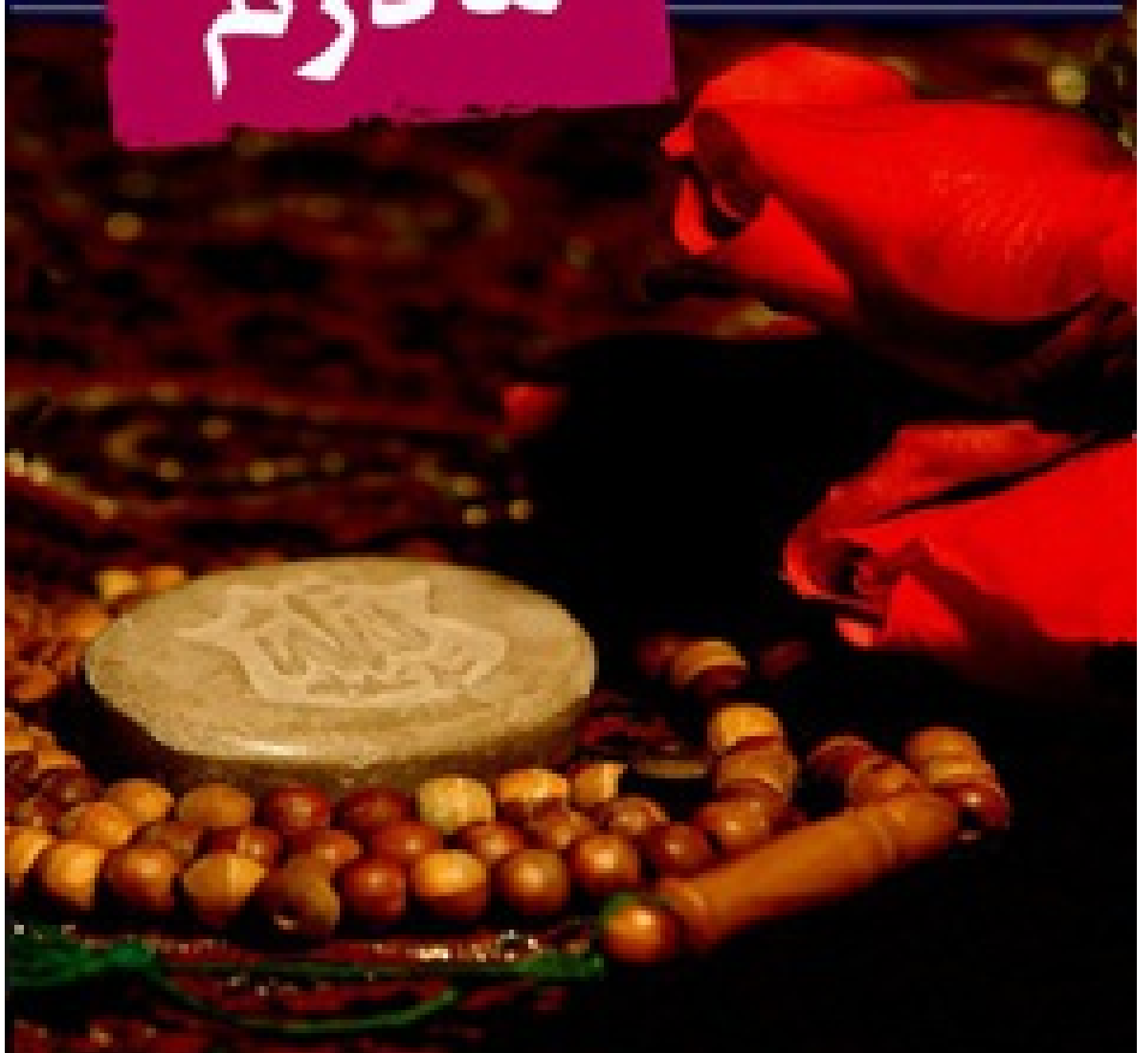
.ir

دعاى مادرم

شرح ادعيه حضرت فاطمه (ع)

دکتر مهدى خدايمان لائى

پهريه آمار ۶۳۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعای مادر م: شرح ادعیه حضرت فاطمه علیها السلام

نویسنده:

مهدي خدامیان آرانی

ناشر چاپی:

بهار دلها

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	دعای مادرم: شرح ادعیه حضرت فاطمه علیها السلام
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۷	سخن اول
۲۳	دعای بعد از نماز ظهر
۲۳	اشاره
۲۵	۱- ترجمه دعا
۲۷	شرح دعا
۳۰	۲- ترجمه دعا
۳۱	شرح دعا
۳۳	۳- ترجمه دعا
۳۵	شرح دعا
۳۹	۴- ترجمه دعا
۴۰	شرح دعا
۴۳	دعای بعد از نماز عصر
۴۳	اشاره
۴۵	۱- ترجمه دعا
۴۶	شرح دعا
۴۹	۲- ترجمه دعا
۵۰	شرح دعا
۵۲	۳- ترجمه دعا
۵۴	شرح دعا

۵۷	۴- ترجمه دعا
۵۸	شرح دعا
۶۱	۵- ترجمه دعا
۶۳	شرح دعا
۶۵	دعای بعد از نماز مغرب
۶۵	اشاره
۶۷	۱- ترجمه دعا
۶۹	شرح دعا
۷۱	۲- ترجمه دعا
۷۲	شرح دعا
۷۷	۳- ترجمه دعا
۷۸	شرح دعا
۸۰	۴- ترجمه دعا
۸۱	شرح دعا
۸۵	دعای بعد از نماز عشاء
۸۵	اشاره
۸۷	۱- ترجمه دعا
۸۸	شرح دعا
۹۱	۲- ترجمه دعا
۹۲	شرح دعا
۹۶	۳- ترجمه دعا
۹۹	دعای بعد از نماز صبح
۹۹	اشاره
۱۰۱	۱- ترجمه دعا
۱۰۲	شرح دعا
۱۰۴	۲- ترجمه دعا

۱۰۶	شرح دعا
۱۱۰	۳- ترجمه دعا
۱۱۳	شرح دعا
۱۱۵	۴- ترجمه دعا
۱۱۶	شرح دعا
۱۲۱	دعای حاجت
۱۲۵	متن عربی ادعیه
۱۲۵	اشاره
۱۲۷	دعای بعد نماز ظهر
۱۳۱	دعای بعد نماز عصر
۱۳۵	دعای بعد نماز مغرب
۱۳۹	دعای بعد نماز عشاء
۱۴۳	دعای بعد نماز صبح (دعای حریق)
۱۵۱	دعای حاجت
۱۵۳	پی نوشت ها
۱۶۰	منابع
۱۶۴	درباره مرکز

دعای مادرم: شرح ادعیه حضرت فاطمه علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: خدامیان آرانی، مهدی، 1353 -

Khuddamiyan Arani, Mehdi

عنوان و نام پدیدآور: دعای مادرم [کتاب]: شرح ادعیه حضرت فاطمه علیها السلام / مهدی خدامیان آرانی.

مشخصات نشر: قم: بهار دلها، 1396.

مشخصات ظاهری: 152ص؛ 21/5×14/5 س.م.

فروست: مجموعه آثار؛ 73.

شابک: 65000 ریال: 6-83-8449-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

یادداشت: چاپ پنجم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [149] - 152.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- دعا

موضوع: Fatimah Zahra, The Saint -- Prayer

موضوع: دعاها

موضوع: Prayers

رده بندی کنگره: BP27/2/خ343 7د 1396

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 4785012

دعای مادرم [کتاب]: شرح ادعیه حضرت فاطمه علیها السلام

مهدی خدامیان آرنی

ص: 3

سخن اول *** 9

دعای بعد از نماز ظهر *** 15

دعای بعد از نماز عصر *** 35

دعای بعد از نماز مغرب *** 57

دعای بعد از نماز عشاء *** 77

دعای بعد از نماز صبح *** 91

دعای حاجت *** 113

متن عربی ادعیه *** 117

ص: 5

خدا را شکر که ما فاطمه علیها السلام را بسیار دوست داریم، سالروز ولادتش، جشن می گیریم، در ایام شهادتش، لباس سیاه به تن می کنیم و بر مصیبت های او، اشک می ریزیم. از مظلومیت او برای ما سخن ها گفته اند و چقدر به جاست که با یادآوری ستم هایی که به او شد، راه خود را از دشمنان او جدا کنیم.

بر این باورم که دشمنان برنامه ریزی کرده اند تا ما کمتر با اندیشه های فاطمه علیها السلام آشنا شویم و برای همین است که ما از گوهرهای ارزشمندی که در سخنان اوست، کمتر اطلاع داریم. به راستی جامعه چقدر با دعاهای آن حضرت (که بعد از نمازهای روزانه می خواند)، آشنایی دارد؟ این دعاها، گنجینه ای بزرگ از معارف آسمانی است، هرکس می خواهد در عرفان حقیقی به جایی برسد، باید از این دعاها بهره بگیرد، افسوس که جوانان ما، مناجات های افرادی که از خطا به دور نیستند را حفظ هستند و

آن‌ها را به خوبی می‌شناسند، ولی با مناجات‌ها و راز و نیازهایی که حضرت فاطمه علیهاالسلام با خدا داشته‌اند، بیگانه‌اند. این جلوه‌ای از مظلومیت جانسوز دختر پیامبر است! خدا به من توفیق داد تا این دعاها را به وسیله این کتاب منتشر کنم، روش من این بود که دعاهای روزانه را به چند قسمت تقسیم نمودم و هر قسمت را ابتدا ترجمه نمودم و سپس به شرح قسمت‌های مهم آن پرداختم، در پایان کتاب هم متن عربی دعاها را آورده‌ام.

امیدوارم که حضرت فاطمه علیهاالسلام این تلاش را قبول کند و اگر در روز قیامت پاداشی به من بدهد، آن را تقدیم همه کسانی می‌کنم که در نشر این کتاب، گام برمی‌دارند، باشد که از این راه، این دعاهای مادرم فاطمه علیهاالسلام از غربت بیرون بیاید.

ان شاء الله

مهدی خُدامیان آرانی

مهرماه 1395 هجری شمسی

ص: 8

هر وقت گرفتار می شوم و همه درها به رویم بسته می شود، نماز استغاثه به حضرت فاطمه علیهاالسلام را می خوانم، می دانم که آن بانوی مهربان، پیش خدا خیلی آبرو دارد، توسّل به کسی که عصاره همه خوبی هاست، رهگشای من بوده است.

من باور دارم که خدا دوست دارد که با توسّل به آن بانو به در خانه اش رو کنم، پس وضو می گیرم، رو به قبله می ایستم دو رکعت نماز می خوانم، بعد از نماز سر به سجده می گذارم، به آن بانوی مهربانی ها توسّل می جویم و بارها می گویم: «یا فاطمه».

از جوانی هر وقت، گرفتاری داشتم این گونه عمل می کردم، وقتی می خواستم ازدواج کنم، وقتی که خانه ای برای سکونت می خواستم و نداشتم... من با توسّل به حضرت فاطمه علیهاالسلام بیشتر حاجت های خود را از خدا

گرفته ام.

زندگی ام سر و سامان گرفته بود، ولی گمشده ای داشتم، دنیای من خوب بود ولی آرامش را گم کرده بودم. روزی از روزها با خود فکر کردم که چرا من گرفتار دنیا شده ام، احساس کردم که دنیا دل مرا ربوده است و من اسیر آب و گل شده ام.

در خلوت خود بیشتر فکر کردم، گویا من خودم را گم کرده بودم... من خیلی ضرر کردم، می توانستم رشد کنم، تا ملکوت خدا پر بکشم، ولی دل به چه بسته بودم؟ به دنیایی که به هیچ کس وفا نکرده است، عاشق بی وفاترین چیزها شدم.

من دچار غفلت شده بودم، از پوچی ها و بی خبری ها، وامانده شده بودم. از رنگ هایی که بوی آسمان نمی دهند، دلگیر بودم، از حرف هایی که نتیجه ای جز گمراهی ندارد، خسته شده بودم.

به کجا باید فرار می کردم؟ از چه کس و چه چیزی باید فرار می کردم؟ از دوستانی که به زنجیر دنیا در آمده اند؛ از هیاهوها؛ از مسابقه دنیاخواهی....

کجاست آن چشمه آرامش؟ چه کسی به من بی پناه، پناه می داد؟ من چه باید می کردم؟ مدتی که فکر کردم، به این نتیجه رسیدم: «باید برای این گرفتاری خود، نماز استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام را بخوانم!». برخاستم، وضو ساختم و به

ص: 10

نماز ایستادم... (1) *** باید در خانه خدا بروی و با او آشتی کنی و درد خویش را به او بگویی! اگر تو با او رفیق بودی، کارت به اینجا نمی رسد که این گونه در مانده شوی.

چرا تو در تشنگی می سوزی در حالی که آب در چند قدمی توست. چرا روح خود را این همه رنج می دهی در حالی که چشمه سار آرامش در کنار توست؟ در هیاهوی بی پایان زمان به کجا می روی؟ صداهای پر از فریب، تو را به چه دعوت می کند؟ قدری فکر کن، کجا می روی؟ بدان تمام آنچه تو دل به آنها بسته ای، هیچ می باشند، برای چه دنبال هیچ ها می دوی، پایان این گام های شتابان تو، واقعاً کجاست؟ باید به سوی خدای خود رو کنی، همان خدایی که همه ما را آفرید و هزاران نعمت به ما داد. تو که می دانی مرگ حق است، به قیامت باور داری، پس چرا قیامت را از یاد برده ای؟ جمعی از دوستان تو، پیش از تو از این دنیا رفتند، آنان اکنون هم آغوش خاک شده اند، به آنان فکر کن، به زودی تو هم همانند آنان دستت از این دنیا کوتاه می شود. لحظه ای اندیشه کن! نکند

ص: 11

1- . دو رکعت نماز خواندم و بعد از پایان نماز، سر به سجده گذاشتم و صد مرتبه گفتم: «یا فاطمه»، سپس طرف راست صورت خود را به زمین گذاشتم و صد مرتبه گفتم: «یا فاطمه» سپس طرف چپ صورت را به زمین گذاشتم صد بار گفتم: «یا فاطمه»، سپس سر به سجده گذاشتم و صد و ده بار گفتم: «یا فاطمه» و بعد از آن دعا کردم و با خدا راز و نیاز نمودم. مکارم الاخلاق ص 330.

روزی چشم بگشایی و کار از کار گذشته باشد و فرصت تو به پایان رسیده باشد! مبادا دیر شود و تو آن قدر در غفلت بمانی که تنها توشه ات، حسرت و پشیمانی باشد! برخیز و تا فرصت داری با خدای مهربان خویش نجوا کن! فقر و بیچارگی خود را به او عرضه کن که بسی مهربان است و بخشنده! با خدای خویش سخن بگو! به او بگو که چقدر نیازمند او هستی! در خانه او بنشین و گدایی کن! *** بانوی من! من نمی دانم با خدای خود چگونه سخن بگویم، گرفتار غفلت شده ام.

محبت دنیا، دلم را سیاه کرده است. شما در اوج پاکی و طهارت هستی، خدا به شما مقام عصمت داده است، اما من در سیاهی ها، غوطه ور شده ام! جهل و نادانی بیچاره ام کرده است، اگر من می دانستم و در وادی معرفت بودم که کارم به اینجا نمی رسید! *** در سجده بودم، به پهنای صورت اشک ریخته بودم، و چنین زمزمه می کردم: «یا فاطمه!»، می دانستم تو سل به بانوی مهربانی، حتماً گره گشا است.

سر از سجده برداشتم، بوی باران می آمد، پنجره مرا به سوی خود فرا می خواند، برخاستم، زیر باران رفتم، من چقدر دوست دارم زیر باران خیس

شوم و مهربانی خدا را حس کنم.

به داخل اتاق آمدم، کنار بخاری ایستادم، نگاهم به قفسه کتاب خیره ماند، ناخودآگاه به سمت جلد 83 کتاب «بحار الانوار» رفتم، آن را برداشتم، کتاب را گشودم و چنین دیدم: «این دعاها را حضرت فاطمه علیهاالسلام بعد از نمازهای خود می خواند».

دقت کردم، دیدم در آنجا پنج دعا نوشته شده است، آن حضرت برای هر کدام از نمازهای ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح، دعای جداگانه ای داشته اند.

مقداری از آن دعاها را خواندم، روح سرگشته من، آرام و آرام تر شد، من به اقیانوسی از آرامش رسیده بودم! چه معانی بلندی در این کلمات نهفته بود، به راستی که این دعاها، قطعه ای از آسمان بود که آن را در روی زمین یافته بودم، من گمشده خویش را در این دعاها پیدا کرده بودم.

هر سطری از آن را که می خواندم، بیشتر تعجب می کردم، بیش از سی سال بود که در حوزه علمیه بودم و در این مدت به تحصیل، تدریس و تألیف پرداخته بودم، پس چرا این دعاها را تا به حال نشنیده بودم؟ چرا از این گوهرهای ارزشمند بی خبر بودم؟ *** باید قلم در دست گیرم و از این دعاها بنویسم، این نوشتن در واقع باید برای دل خودم باشد، برای کمال و رشد خودم باید بنویسم، باید عهد کنم که این دعاها را از یاد نبرم، باید مسیر زندگی خود را بر اساس این دعاها

ص: 13

ترسیم کنم.

اگر حضرت فاطمه علیهاالسلام را دوست دارم، باید تمام تلاش خود را به کار گیرم تا پیام های مهمی را که آن حضرت در این دعاها بیان کرده اند به جامعه برسانم. پیام های آسمانی آن حضرت را باید از غربت بیرون آورم.

این درد بزرگی است که جامعه ما از این پیام ها بی خبر مانده است! چرا جوانان ما با افکار بلند حضرت فاطمه علیهاالسلام میگانند؟ چرا مناجات های افرادی که از خطا به دور نیستند را می شناسند و آن را حفظ می کنند، اما این دعاها را حضرت فاطمه علیهاالسلام را یک بار هم نخوانده اند؟ چرا راه دوری می روم؟ چرا دنبال متهم می گردم! من خودم نیز متهم هستم! من بر خطای خود اعتراف می کنم و می خواهم جبران گذشته ها را بنمایم، شکر خدا هنوز فرصت دارم، پس قلم را در دست می گیرم و این راه را آغاز می کنم.

اگر خدا به من توفیق دهد و این کتاب را به پایان ببرم، وظیفه خود را انجام داده ام، من ابزاری به غیر از قلم ندارم، آن وقت نوبت دوستان من است که این راه را ادامه بدهند و با تلاش آنان، کاری خواهیم کرد کارستان!

ص: 14

دعای بعد از نماز ظهر

اشاره

ص: 15

خدایا! تو را تسبیح می کنم، تو آن خدایی هستی که پاک و منزّه هستی! تو خدای یکتا هستی و هیچ همتایی نداری، تو هیچ کدام از ویژگی ها و صفات مخلوقات خود را نداری.

من نباید تو را به چیزی تشبیه کنم و همه صفات و ویژگی هایی را که در بین مخلوقات می بینم، باید از تو دور بدانم.

وقتی من به تو فکر می کنم، اول باید از عمق وجودم اعتراف کنم که تو بالاتر از هر چیزی هستی که به ذهن من می آید.

اگر برای تو جسم فرض کنم، اگر برای تو، مکان و زمان فرض کنم، این خدایی است که من در ذهن خود ساخته ام. تو خدای یگانه ای، تو بودی که زمان و مکان را آفریدی، تو بالاتر از آن هستی که به زمان یا مکان وصف

شوی. همه ویژگی هایی که من در آفریده ها می بینم، برای تو عیب و نقص حساب می شود، تو از هر عیب و نقصی پاک و منزّه هستی! تو به هیچ کس ظلم نمی کنی. جاهل نیستی، ناتوان نیستی، هرگز از بین نمی روی!⁽¹⁾ تو از هر عیبی به دور هستی، صاحب عزت و شکوه هستی، تو همیشه بر جهان، قدرت داری، همه کاره این جهان تو هستی! خدایا! من تو را حمد و ستایش می کنم، تو بودی که به من نعمت علم و آگاهی دادی، تو توفیق دادی تا کارهای نیک انجام دهم، دل مرا مشتاق خود قرار دادی. از تو ممنونم که مرا تسلیم قرآن قرار دادی تا دستورات تو را که در آن کتاب آسمانی آمده است، اطاعت کنم، ممنون تو هستم که مرا به دین خود هدایت کردی و نور ایمان را در دل من قرار دادی و مرا از کفر و شرک نجات دادی! اکنون که در حق من لطف کرده ای و این خوبی ها را به من داده ای، من به لطف تو محتاج ترم، پس لطف خودت را در حق من کامل کن! من از تو می خواهم که مناجات کسانی که زیاد توبه می کنند را به من عطا کنی تا من هم همانند آنان از گناهانم توبه کنم، آنان چگونه به درگاه تو رو می کنند، اشک می ریزند، با چه سخنانی تو را راضی می کنند، به من توفیق بده همانند آنان به درگاه تو زاری کنم و مثل آنان از تو عذرخواهی کنم، توبه کنندگان واقعی بعد از توبه به عمل رو می آورند و گذشته خود را جبران می کنند، به من هم توفیق جبران گذشته را عنایت کن! خدایا! کسانی که در راه تو تلاش می کنند به نجات و رستگاری می رسند،

ص: 18

1- . الکافی ج 1 ص 118، التوحید للصدوق ص 312.

مرا هم مانند آنان به نجات و رستگاری برسان و ثواب آنان را به من عطا کن! خدایا! مؤنان به وعده های تو باور دارند و فقط به تو توکل می کنند، از تو می خواهم کاری کنی که همانند آنان وعده های تو را باور کنم و به تو توکل کنم، آری، هر کس که به تو توکل کند او را یاری می کنی.

خدایا! از تو راحتی در هنگام مرگ و آرامش در هنگام حسابرسی روز قیامت را می خواهم! عدّه زیادی از مرگ می ترسند، آنان مرگ را پایان خود می دانند، ولی من از تو می خواهم مرا منتظر مرگ قرار بدهی! وقتی یکی از عزیزان من به سفر برود، من چشم انتظار آمدن او هستم، هر لحظه با خود می گویم: او کی از سفر باز می گردد؟ خدایا! تو کاری کن که این گونه، چشم انتظار مرگ باشم.

شرح دعا

لحظه ای درنگ می کنم و به این جمله فکر می نمایم:

«وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ».

«خدایا! از تو می خواهم مرا منتظر مرگ قرار بدهی آن گونه که در انتظار آمدن بهترین عزیزانم هستم!» به راستی فاطمه علیهاالسلام دنیا و مرگ را چگونه می بیند؟ من که مثل بقیّه مردم در جستجوی دنیای بیشتر هستم، فکر می کنم با ثروت بیشتر به آرامش می رسم، اما زهی خیال باطل! دنیا به هیچ کس آرامش نداده است، دنیا

ص: 19

(این عروس هزار داماد) دل‌ها را می‌فریبد و به هیچ کس وفا نمی‌کند، وقتی به آن می‌رسم، از من جدا می‌شود، و مرا رها می‌کند و با دلی پر از حسرت، تنها می‌مانم! حضرت فاطمه علیها السلام می‌خواهد من اهل معرفت شوم، خودم و دنیا را بشناسم، اگر بفهمم مسافری هستم که باید به وطن خود بازگردم، دیگر اسیر دنیا نمی‌شوم.

کدام وطن؟ وطن من کجاست؟ باید بدانم که خدا روح مرا ابتدا در عالم ملکوت آفرید، سپس روح مرا به این دنیای خاکی آورد، عالم ملکوت بسیار بالاتر و برتر از این دنیای خاکی است، این دنیای خاکی پست‌ترین جایگاه است، ولی چرا خدا، روح انسان را در این جسم مادی قرار داد؟ چرا انسان را به این دنیای خاکی آورد؟ علت این کار خدا چه بود؟ خدا روح انسان‌ها را در ملکوت آفرید، روح در آنجا قدرتی عجیب و استعدادی شگرف داشت، خدا می‌دانست که اگر روح انسان‌ها در ملکوت بماند، دچار غرور می‌گردد و این غرور سبب می‌شود تا انسان‌ها از کمال و سعادت فاصله بگیرند.

در عالم ملکوت، هیچ محدودیتی وجود نداشت، هر چه روح انسان می‌خواست برای او آماده بود، آن دنیا، دنیای برتر بود و زمینه‌سختی‌ها و بلاها در آنجا وجود نداشت.

خدا انسان را به این دنیای مادی آورد، دنیایی که در آن، انسان با

محدودیت ها و مشکلات روبرو می شود، در این دنیا زمینه پختگی انسان فراهم می شود.

در این دنیا، انسان به گرسنگی، تشنگی، فقر و بیماری مبتلا می شود، این سختی ها، درمان غرور روح انسان است. انسانی که در دنیای ملکوت، پادشاهی می کرد، در این دنیا برای سیر کردن شکم خویش، باید کار کند، زحمت بکشد و... همه این ها باعث می شود تا غرور او درمان شود. این گونه بود که روح انسان اسیر این دنیای خاکی شد. این برنامه ای است که خدا برای سعادت روح انسان قرار داده است. این راز بزرگ زندگی دنیا است.

وقتی به این شناخت برسیم، دیگر می فهمیم که برای راحتی و آسایش به این دنیا نیامده ام، من به اینجا آمده ام تا دردم درمان شود و بار دیگر به ملکوت بازگردم. (1) وقتی دانستم که روح من از جنس ملکوت است، درد جدایی از عالم ملکوت را حس می کنم، می فهمم از اصل خویش دور افتاده ام، آن وقت در انتظار مرگ می نشینم و مرگ را زیبا می بینم، زیرا این مرگ است که مرا به وطن اصلی ام باز می گرداند، دل من از همه این دنیای خاکی بالاتر و بزرگ تر است، من اینجایی نیستم، وقتی آسمانی بشوم، آرام می شوم.

ص: 21

1- . علل الشرایع ج 1 ص 15، بحار الأنوار ج 58 ص 133.

خدایا! وقتی مرگ من فرا می‌رسد، وقتی که می‌خواهم از این دنیا بروم، آن ساعتی که دیگر هیچ چیز به من نفعی نمی‌رساند، رحمت خودت را روزی ام‌کن و رضایت خود را به من ارزانی دار! خدایا! قبل از آن که جانم را بگیری، بشارتی از بزرگواری خودت به من برسان، من منتظر آن مژده‌ای هستم که فقط تو بر آن توانایی و قلب مرا آرام می‌کند و جانم را خشنود می‌سازد و چهره‌ام را نورانی می‌کند.

مگر آن مژده تو چه می‌کند؟ به من در آن لحظه آرامش می‌دهد و هر کس که مرا می‌بیند به حال غبطه می‌خورد، سختی جان دادن را بر من آسان می‌کند و مرا از خیر و برکت مرگ بهره‌مند می‌سازد.

خدایا! وقتی که جانم گرفته شد، پس روح مرا همراه و همدم ارواح پاک

قرار بده، مرا با بندگان خوبت همراه کن و اعمال مرا قبول کن! خدایا! وقتی تنهای تنها در قبر قرار گیرم امیدم به رحمت توست، آن هنگام که در قبر توانایی هیچ کاری را نداشته باشم و مردم مرا به حال خود رها کرده باشند، نیاز به بزرگواری تو دارم.

شرح دعا

لحظه ای به فکر فرو می روم:

«وَبُشْرَىٰ مِنْ كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّيَ نَفْسِي».

«خدایا! قبل از آن که جانم را بگیری، بشارتی از بزرگواری خودت به من برسان».

فاطمه از کدام بشارت سخن می گوید؟ آیات آخر سوره فجر را به یاد می آورم:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ...».

خدا در لحظه جان دادن مؤن به او چنین می گوید: «ای روح آرام یافته و مطمئن! در حالی که تو از لطف من خشنودی، من هم از تو خشنودم، به سوی ثواب و پاداشی که برای تو آماده کرده ام، باز آی! به جمع بندگان خوب من در آی! و به بهشت من داخل شو!».

چقدر این سخن آرامش بخش و زیباست! لطف و صفا و آرامش از این سخن می بارد، خدا از بنده اش دعوت می کند تا به بهشتی که نهرهای آب از زیر درختان آن، جاری است وارد شود، خدا بهشت و دیدارش را برای او

ص: 23

آماده کرده است و از او راضی و خشنود است و این بالاترین نعمت است، مؤن نیز از لطف و کرم خدا، غرق خوشحالی است، چه لذتی از این بالاتر و بهتر! اکنون ماجرای «سُدیر» را نقل می‌کنم: او یکی از یاران امام صادق علیه السلام بود، روزی نزد آن حضرت رفت و چنین گفت:

-- آقای من! آیا مؤمن، مرگ را بد می‌داند؟ -- ای سُدیر! به خدا قسم مؤمن مرگ را بسیار دوست دارد.

-- آقای من! چگونه می‌شود که مؤمن از مرگ نمی‌هراسد؟ در آن لحظه چه اتفاقی روی می‌دهد؟ -- ای سُدیر! خدا فرمان می‌دهد تا یکی از فرشتگان از طرف خدا پیامی را به مؤمن برسانند. پیام خدا همان آیات آخر سوره فجر است: «ای روح آرام یافته! به سوی ثواب و پاداشی که برای تو آماده کرده‌ام، باز آی!...».

-- آیا مؤمن این صدا را می‌شنود؟ -- آری. خدا از مؤمن دعوت می‌کند تا در بهشت وارد شود و همنشین خوبان شود، اینجاست که مؤمن، مرگ را در کام خود شیرین می‌یابد و عاشق مرگ می‌شود. (1) آن روز سُدیر به فکر فرو رفت، او دانست که وقتی آن بشارت به گوش مؤن برسد، دیگر هیچ چیز بهتر و لذت بخش تر از جان دادن نیست!

ص: 24

خدایا! مرا با نور ایمان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم گردان، مرا به حال خود رها نکن که به تو ایمان دارم. توستم کاران را به حال خود رها می کنی و بر هر کاری توانا هستی! خدایا! از تو می خواهم وقتی قیامت برپا شود و برای حسابرسی سر از قبر بردارم، آن روز را بر من مبارک گردانی، همان روزی که تو فرمان می دهی و اسرافیل در صور خود می دمدم و همه زنده می شوند و ترس و هراس، آنان را فرا می گیرد، پس رحمتت را بر من ارزانی دار! در روز قیامت، تاریکی همه جا را فرا می گیرد، پس نوری از رحمت خود به من عطا کن تا مسیر مرا روشن سازد و باعث آرامش من شود و مرا به بهشت تو رهنمون سازد.

خدایا! مرا در بالاترین مرتبه بهشت جای بده و مرا هم نشین محمد صلی الله علیه و آله که

(بنده و فرستاده توست) قرار بده! مرا با کسانی که نعمتت را بر آنان ارزانی نموده ای همنشین ساز، آنان همان پیامبران، صدیقان و شهدا و نیکوکاران هستند و به راستی که بهترین دوستانند! خدایا! بر محمد که آخرین پیامبران توست، درود و صلوات بفرست، بر همه پیامبران و همه فرشتگان درود بفرست، خدایا! بر خاندان پاک محمد و امامان هدایتگر درود بفرست که تو پروردگار جهانیان هستی! خدایا! تو ما را به وسیله محمد صلی الله علیه و آله هدایت کردی، به خاطر او بر ما مهربانی کردی، تو ما را با او گرمی داشتی و برتری دادی و شرافت بخشیدی و یاری کردی و از هلاکت نجات دادی، پس از تو می خواهم که بر او درود و صلوات بفرستی! خدایا! از تو می خواهم تا مقام پیامبر را بالاتر ببری، نور او را کامل تر کنی، پیروان دین او را زیادتر گردانی و بر شکوه دین او بیفزایی و نعمت خود را بر او بیشتر گردانی تا آنجا که او خشنود گردد، برترین مقام در بهشت به او عطا کنی و «مقام شایسته» که همان مقام شفاعت است را به او عنایت کنی! خدایا! ما را از پیروان راه پیامبر قرار بده، در روز قیامت، از حوض کوثر او سیراب گردان و در گروه او محشور کن! خدایا! ما را بر دین او بمیران! به ما توفیق بده تا به دستورات او عمل کنیم و در این راه شک نکنیم.

تو کسی هستی که در خانه ات را به روی کسانی که تو را می خوانند، باز گذاشته ای! ای خدایی که هر کسی که به تو امید دارد، یاری می کنی! ای

کسی که گناهان بندگانت را می پوشانی! تو دلی را که غمگین و افسرده شده است شفا می دهی و آن را شاد می کنی! از تو می خواهم که در روز قیامت، آبروی مرا به خاطر گناهانم، نریزی و در آن روز، مهربانی خودت را از من دریغ مکن! ای کسی که امید و آرزوی هر درمانده و بیچاره ای هستی! ای کسی که می توانی گناهان و خطاهای مرا به لطف خودت جبران کنی، از تو می خواهم خطاهای مرا ببخشی! قلب مرا از سیاهی های گناهان پاک کنی! خدایا! از تو می خواهم به من آمادگی نیکو برای بلاها عطا کنی که تو از همه بزرگوارتر هستی و آرزومندان را به آرزویشان می رسانی! ***

شرح دعا

با خودم می گویم چرا فاطمه علیها السلام این خواسته را از خدا دارد:

«وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِسْتِعَادِ لِتُرُودِ الْبَلَاءِ».

«به من آمادگی نیکو برای بلاها عطا کن!».

من که از بلاها می ترسم، چقدر من با این تفکر بیگانه ام؟ من ادعا می کنم پیرو فاطمه علیها السلام هستم، اما چقدر با اندیشه های او، فاصله دارم؟ من کجا ایستاده ام؟ چگونه زندگی می کنم؟ حس شرمندگی مرا فرا گرفته است! وقت آن است که چشم هایم را بشویم، طور دیگر نگاه کنم، من به این دنیا آمده ام تا به سوی کمال بروم، دل انسان از همه جهان هستی بزرگ تر است، اما این دل، شیفته دنیا می شود، من به این دنیا آمده ام تا حرکت کنم،

ص: 27

من مسافر هستم، دنیا منزل و مقصد من نیست، باید چند روزی در اینجا بمانم، توشه ای بگیرم و بروم.

با کسی که عاشق دنیا شده است، چه باید کرد؟ چگونه باید او را از خماری دنیاطلبی نجات داد؟ جواب این سؤال یک کلمه بیشتر نیست:

«بلا».

بلا، همچون تازیانه ای است که بر روح انسان می خورد و او را از خواب غفلت بیدار می کند، خدا از روی مهربانی، بت های انسان را می شکنند، لیلی ها را از او می گیرد تا انسان به راه بیفتد، حرکت خود را فراموش نکند، این بلاها و رنج ها، برای بیدار کردن انسان است! انسان آمده است که برود، نیامده است که در این دنیا بماند، بلا که از راه می رسد، دل انسان از دنیا جدا می شود، شتاب رفتن می گیرد.

وقتی پدری فرزندش را دوست دارد با دقت برنامه واکسن زدن کودکش را پیگیری می کند، او حواسش را جمع می کند، مبادا وقت واکسن زدن کودکش بگذرد. واکسن درد دارد، اما پدر خودش کودکش را به درمانگاه می برد تا به او واکسن بزنند.

کودک وقتی این رفتار پدر را می بیند، گریه می کند، انتظار ندارد که پدر با او این گونه رفتار کند. او پیش خود می گوید: «پس مهربانی پدرم کجا رفت». وقتی کودک بزرگ شد می فهمد که آن واکسن زدن، نشانه مهربانی پدر بود.

خدا می داند که دل من اسیر دنیا می شود، من برای خود بت می سازم و

مشغول آن می شوم، خدا بلایی را می فرستد تا من بیدار شوم و من ناراحت می شوم و صبر خود را از دست می دهم و می گویم: «پس مهربانی خدا کجاست؟».

هنگام بلا به خدا اعتراض می کنم، در حالی که خدا به خاطر این که مرا دوست داشت به بلا مبتلایم کرد، من خیال می کردم به این دنیا آمده ام تا در آسایش زندگی کنم و در رفاه باشم، دنیا مرا به خود مشغول کرده بود. وقتی من دلباخته دنیا شدم چگونه باید درمان شوم؟ من چگونه باید به راه برگردم؟ من اسیر دنیا شده بودم، پول، ریاست، قدرت و شهرت دنیا، آرزوی من شده بود. این عشق به خاک و خاکی ها، بیماری من بود.

خدا مرا دوست داشت، ناگهان کاخ آرزوهایم را خراب کرد و بلا را برایم فرستاد و ناله من بلند شد که مهربانی خدا کجاست؟ من در فکر ساختن این دنیا بودم و خدا در فکر ساختن من! او یزم مرا به هم زد و بت آرزویم را شکست، شاید من برخیزم و بیدار شوم. او با دست های مهربانش، آرزوهای مرا خراب کرد تا آباد شوم، او بت های مرا شکست تا من بزرگ شوم.

وقتی بلا فرا می رسد، گاه من این بلا را نشانه خشم و ستم خدا می دانم و اینجاست که دیگر هیچ انسی با خدا نخواهم داشت، گاه من آن بلا را نشانه مهربانی او می دانم و بلا را تازیانه راه می یابم، اینجاست که به زندگی به گونه ای دیگر می نگرم، با خدا انس می گیرم و از کار او خشنودم، می دانم او

با بلا مرا از خطر بزرگی نجات داد، او مرا از عشق به دنیا جدا نمود و مرا متوجه راه نمود، من به اینجا آمده ام که توشه بگیرم، نیامده ام که بت بسازم و به آن دل خوش گردم، دیر یا زود، مرگ من فرا می رسد، فرصت من محدود است، من باید از خواب غفلت و خماری عشق دنیا بیدار می شدم، این بلا بود که مرا هشیار کرد و مستی دنیا را از من گرفت.

به راستی من در این دنیا به دنبال چه هستم؟ خوشی و راحتی.

من به این دنیا آمده ام تا پخته شوم، بلا و سختی بینم و از عیب ها و نقص ها پاک شوم، من مسافری هستم، آمده ام بروم، هیچ چیز در دنیا ثابت نمی ماند، بهار می آید و می رود، پاییز هم می آید و می رود، بنای دنیا بر اساس تغییر است، من هم در حرکت هستم، این ها با خوشی و راحتی نمی سازد.

وقتی من خودم را شناختم، راهم را شناختم، به استعداد خود ایمان آوردم، سختی ها و بلاها را هدیه ای می دانم که مرا از خودم و از دنیای خودم جدا می کند و نقص ها و عیب های مرا به من نشان می دهد، هر بلایی که سراغم می آید، ضعفی را برایم آشکار می کند و زمینه رهایی از اسارت ها و دل بستگی ها می گردد و مرغ روح مرا آزاد می کند.

این گونه است که انسان در بلاها فقط صبر نمی کند، بلکه به مرحله ای بالاتر می رود، او شکرگزار می گردد، در اوج بلاها، زبان به شکر خدا باز می کند، زیرا او بلا را نعمت می بیند، چه چیز بهتر از نعمت رهایی!

خدایا! تو مولای من هستی، تو بودی که به من توفیق دادی و اجازه دادی با تو سخن بگویم، پس دعایم را مستجاب کن و با رحمت خود مرا از آتش عذابت نجات بده و در بهشت ساکن گردان! خدایا! کمکم کن تا به «عُرُوهُ الْوُثْقَى» که همان ریسمان محکم توست چنگ بزنم، از تو می خواهم عاقبت مرا ختم به خیر کنی و تا زمانی که زنده ام مرا از فتنه ها حفظ کنی، ای خدایی که همه خوبی ها از توست، عزت و شکوه از آن توست، به من لطف کن تا هرگز کاری نکنم که دشمنان و حسودان، مرا شماتت کنند، خدایا! اجازه نده که حاکمان کینه توز و شیطان بر من مسلط شوند، من به رحمت تو امید دارم ای کسی که از همه مهربان تر هستی!

باور دارم که هر تغییری در این جهان با اجازه توست، هر قدرتی که می بینم از تو قدرت گرفته است، تو خدای بلند مرتبه هستی، از تو می خواهم تا بر محمد و آل محمد، سلام و درود فراوان بفرستی! ***

شرح دعا

فاطمه علیها السلام در این دعا از خدا چنین می خواهد:

«وَاجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى».

«خدایا! کمکم کن تا به «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» که همان ریسمان محکم توست چنگ بزنم».

در واقع آن حضرت به آیه 256 سوره بقره اشاره می کند:

«فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...».

«هر کس به طاغوت کافر شود و به تو ایمان آورد، به دستاویزی استوار که گسستنی نیست، چنگ زده است».

پیام این آیه برای من چیست؟ فاطمه علیها السلام می خواهد چه درسی در اینجا به من بدهد؟ طاغوت، هر کس یا هر چیزی است که باعث گمراهی انسان ها می شود، شیطان، بُت ها، ستمگران و رهبران دروغین همه این ها طاغوت هستند و من اول باید دل از آنان برکنم، باید از آن ها جدا شوم، تا بتوانم به خدا برسم، این تنها راه رسیدن به خداست، باید از طاغوت بیزاری بجویم.

اگر در درّه ای عمیق و هولناک گرفتار شوم و بخواهم نجات پیدا کنم، باید

به دستاویز محکمی چنگ بزنم، دستاویزی که هرگز گسسته نشود، باید طناب محکمی پیدا کنم.

اگر این طناب محکم نباشد ممکن است مرا تا مقداری از قعر درّه بالا آورد، اما در میانه راه پاره شود و به درّه سقوط کنم.

عشق به این دنیا و جلوه های آن، همانند درّه ای عمیق است، اگر من بخواهم از قعر این درّه به قلّه سعادت و رستگاری برسیم، باید از هر چه مرا از یاد خدا غافل می کند، جدا شوم و به خدا ایمان بیاورم.

اگر قلب خود را از محبت طاغوت های زمان خود خالی کنم و ایمان آورم، خدا نجاتم می دهد. بدون کمک خدا نمی توانم نجات پیدا کنم، نیاز به سرپرستی دارم که مرا راهنمایی کند.

حجت خدا در هر زمانی، همان «عروه الوثقی» است، ریسمان محکم خدا که هر کس به آن چنگ زند، نجات پیدا می کند. امروز اگر ایمان واقعی داشته باشم و پیرو مهدی علیه السلام باشم خدا مرا یاری می کند و از تاریکی ها به سوی نور می برد، لحظه به لحظه مرا از ناامیدی و اضطراب به سوی امید و آرامش می برد، نور ایمان در قلب من زیاد و زیادتر می شود. (1) از طرف دیگر، کسانی که به خدا ایمان ندارند و از طاغوت ها پیروی می کنند، لحظه به لحظه از آرامش دور می شوند، شیطان و رهبران گمراه، آنان را به سوی تاریکی ها می برند. کسی که پیرو طاغوت ها شد، سرانجام گرفتار عذاب دوزخ خواهد شد، عذابی که هرگز پایانی ندارد.

ص: 33

1- . مناقب آل ابی طالب ج 2 ص 278، بحار الأنوار ج 35 ص 396 تفسیر العیاشی ج 1 ص 139.

دعای بعد از نماز عصر

اشاره

ص: 35

خدایا! تورا تسبیح می گویم، تو آن خدایی هستی که پاک و منزّه هستی! از همه نقص ها به دوری! تو دانایی! جهل و نادانی در وجود تو راه ندارد، به آنچه در دل های بندگان می گذرد، آگاهی داری، تو از گناهان بندگان باخبری، هیچ چیز در آسمان و زمین بر تو پوشیده نیست.

من تورا حمد و ستایش می کنم، ممنون تو هستم که به من توفیق دادی نعمت هایت را شکر کنم و مرا از کفران نعمت ها دور کردی، تو بودی که معرفت خودت را به من دادی و من به خاطر آن، خوبی های تو را انکار نکردم، همه خیرها و برکت ها از توست، تو سرچشمه خیرها و برکت ها هستی! تو انسان ها را آفریدی، راه رستگاری را به آنان نشان دادی، حق بر همه

آشکار شد، اگر به بندگان مهربانی کنی، از جود و بخشش توست، اگر آنان را مجازات کنی به خاطر گناهان خود آنان است، تو خدایی هستی که هرگز به کسی ظلم نمی کنی! تو را ستایش می کنم که بلندمرتبه هستی و قدرت و پادشاهی تو بر جهان، پایدار است، تو همه کاره جهان هستی و پایه های قدرت تو استوار است و هرگز سست نمی شود، تو بخشنده و مهربانی! به بندگان خودت نعمت های فراوان می دهی! حمد و ستایش مخصوص توست، تو آن خدایی هستی که هیچ کس نمی تواند حقیقت تو را درک کند، چشم ها نمی توانند تو را ببینند، زبان ها از وصف تو ناتوانند، با قدرت خیال هم نمی توان تو را به تصوّر کشید زیرا قدرت و پادشاهی تو بالاتر و برتر از هر قدرتی است.

شرح دعا

این سخن فاطمه علیها السلام درس خداشناسی به من می دهد:

«فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ».

«خدا را نمی توان با چشم دید».

به راستی من چگونه خدایی را که نمی بینم، پرستش کنم؟ نمی شود من برای خدایی نماز بخوانم که او را نمی بینم! خدای من بالاتر و والاتر از این است که با چشم دیده شود، خدا از دیده ها پنهان است، هیچ کس نمی تواند او را ببیند و حقیقت او را بفهمد. اگر خدا را می شد با چشم دید، دیگر او خدا نبود، بلکه یک آفریده بود. عده ای،

ص: 38

بت هایی را به جای خدا قرار داده اند، بت فقط، یک قطعه سنگی که تراشیده شده باشد، نیست! گاه صورت زیبا، خانه گران قیمت، پست و مقام، شهرت... بت می شود، دیده ام که گاهی ثروت، نقش خدا را در زندگی بعضی ها بازی می کند، خدای قلب آن ها را می توان با چشم دید، ولی «الله» را هرگز نمی توان با چشم دید! هر مخلوقی یک روزی نابود می شود، دیر یا زودش فرقی نمی کند، آن کس که شیفته «لیلی» شده است، آیا پنجاه سال دیگر دوست دارد به صورت لیلی نگاه کند؟ یا این که صورت او پر از چین و چروک شده است، صد سال دیگر چه؟ از آن لیلی، فقط مستی استخوان باقی مانده است! صورتی که «مجنون» دلباخته آن شده بود، اسکلتی شده است که همه از آن می ترسند! وقتی دل انسان دلباخته چیزی می شود که پایان دارد، در آغاز، انسان خیلی خوشحال است، از این دل بستگی لذت می برد، آن چیز، بت او می شود و همه فضای قلب او را پر می کند، اما وقتی آن بت از بین می رود، دل آدمی هم از بین می رود! وقتی من با چشم خود می بینم که بت من نابود می شود، خودم هم نابود می شوم، آن روز می فهمم باید دلباخته کسی می شدم که هرگز پایانی نداشته باشد.

آری! بت هایی را که می توان دید، نابودشدنی است. من باید خدایی را پرستم که با چشم دیده نمی شود، باید افتخار کنم که فقط خدای پنهان را می پرستم، خدایی که هرگز دیده نمی شود، زیرا او هرگز نابود نمی شود، او همیشه بوده و خواهد بود.

*** فاطمه علیها السلام در این دعا، چنین می گوید:

«لَمْ يَتَوَهَّمْهُ اَعْتِبَارٌ».

«خدا را نمی توان با خیال تصوّر کرد».

آری، آن خدایی که فاطمه علیها السلام آن را می پرستد، خدایی است که نمی توان با عقل بشری، او را درک کرد، شاید من در ذهن خود تصوّری از خدا داشته باشم، ولی خدا غیر از آن چیزی است که در ذهن من است! خدا به هیچ چیز شبیه نیست، من نباید در ذهن خود، خدا را به چیزی تشبیه کنم، عقل بشر نمی تواند به ذات خدا پی ببرد. هر تصوّری را که از حقیقت خدا در ذهن خود ساخته ام، حقیقت خدا، غیر از آن است! خدا چیزی است که حدّ و اندازه ای ندارد و نمی توان با عقل آن را درک نمود. (1) خدا بالاتر و والاتر از این است که به تصوّر ذهن انسان در آید. من فقط می توانم او را با صفاتی که خودش در قرآن گفته است، بشناسم، من می دانم که خدا بخشنده و مهربان است، شنونده و بیناست، از همه چیز باخبر است، همیشه بوده و خواهد بود، پایان ندارد همان گونه که آغاز نداشته است. . .

من این صفات خدا را در قرآن می خوانم و نسبت به خدای خود شناخت پیدا می کنم، همه این ها که گفتم صفات خداست، اما ذات خدا چگونه است؟ این را هرگز نمی توانم بفهمم، هر چه که در ذهن خودم برای ذات خدا تصوّر کنم، باید بدانم که خدا غیر از آن است!

ص: 40

خدایا! تواز حال و روز من، باخبری، سخنم را می شنوی، می دانی چه حاجتی دارم، راز دل مرا می دانی، من نیازمند تو هستم، حاجت خود را از تو می خواهم، به تو التماس می کنم، من فقیر و نیازمند درگاه تو هستم، بنده ای خطاکارم و تو خدای بخشنده و مهربان هستی! خدایا! من غیر از تو، خدایی نمی شناسم که از او بخواهم گناهم را ببخشد، تواز عذاب کردن من، بی نیاز هستی و من به مهربانی تو نیازمندم! من به تو نیازمندم و تواز من بی نیازی! تو بر من قدرت داری و من در مقابل تو ناتوانم! من تو را به فقری که به تو دارم و به بی نیازی که تو به من داری، می خوانم، من تو را به قدرتی که به من داری و ناتوانی که من دارم می خوانم، پس دعایم را اجابت کن و رحمت خود را بر من نازل کن!

خدایا! آنچه از سختی‌ها مرا به هراس آورده است، تو آن را برایم آسان کن، هر کاری که من در انجامش ناتوانم، به من قدرت انجامش را عطا کن، مرا بر دشمنانم پیروز گردان، ای خدایی که از همه مهربان‌تر هستی! نگرانی و غصه‌هایم را بر طرف کن و سختی‌ها را برایم آسان نما! خدایا! از تو می‌خواهم تا خودبینی، ریا، تکبر، ظلم کردن، حسد، ضعف، شک، سستی، بیماری، شکست در برابر دشمن، مکر، نیرنگ را از من دور کنی، خدایا! بلایی را (که در دین من باشد) از من دور کن و فساد را از گوش و چشم و تمام اندامم دور کن و مرا به آنچه دوست می‌داری و تو را خشنود می‌سازد موفق‌بدار! خدایا، بر محمد و آل محمد درود بفرست و گناهان مرا ببخش، و عیب‌های مرا از دیگران پوشان، ترس مرا ایمنی ببخش و مصیبت‌های مرا جبران فرما! فقر مرا به بی‌نیازی تبدیل کن، لغزش‌های مرا ببخش، کارهای مرا سر و سامان بده، همه امور زندگی مرا کفایت فرما! ***

شرح دعا

اکنون به این جمله فکر می‌کنم:

«فَأَسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ».

«خدایا! من تو را به فقری که به تو دارم می‌خوانم».

چقدر این جمله زیباست، وقتی انسان فقیر و بیچاره می‌شود، در نگاه دیگران، پست جلوه می‌کند، اما فقر در درگاه خدا به انسان آبرو می‌دهد و

ص: 42

انسان را عزیز می کند، هر کس بیشتر این نیاز را درک کند، پیش خدا آبروی بیشتری دارد.

تا قبل از این که با این دعا آشنا شوم، خیال می کردم که اگر بخواهم خدا جواب مرا بدهد، باید کارهای خوب خود را به درگاه خدا ببرم، مثلاً بگویم: خدایا! من فلان کار خوب را انجام داده ام، از فلان بیچاره دستگیری کرده ام، پس به خاطر آن دعایم را مستجاب کن! ولی امروز فهمیدم که من باید فقر خود و بیچارگی خود را به درگاه خدا ببرم، باید از خدا بخواهم که به خاطر فقرم و بیچارگی ام به من رحم کند.

فاطمه علیها السلام به ما یاد می دهد وقتی می خواهیم به در خانه خدا برویم، به نماز، روزه و اعمال خوب خود تکیه نکنیم، این اعمالی که من انجام داده ام، خیال می کنم قبول شده است، ولی من چه می دانم، اگر عملی با ریا همراه باشد، خدا آن عمل را دشمن می دارد، اگر عمل من بدون ریا باشد، چه بسا من دچار خودبینی بشوم و آن عمل را تباه کنم.

آری، همه کارهای خوب من در خطر است، ولی فقر و بیچارگی من در چه خطری است؟ این جزئی از هویت من است، من در مقابل خدا، هیچ هستم، سراسر فقر و نداری هستم.

من همیشه خیال می کردم که فقر، بیچارگی و نداری است، اما امروز فهمیدم که فقر در درگاه خدا، یک سرمایه است! فاطمه علیها السلام به من این گونه یاد می دهد که بهترین سرمایه ام را (که همان نیازمندی من به خداست) به درگاه خدا ببرم.

خدایا! کارهایم را به تو واگذار کرده ام، خود را در پناه تو قرار داده ام، به خود ستم کرده ام، برای همین خودم را به تو سپرده ام، از گناهانم می ترسم، به لطف تو امید دارم، تو آن خدایی هستی که هیچ کس را ناامید نمی کنی.

تورا به حق ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام می خوانم، تورا به حق محمد صلی الله علیه و آله که برگزیده توست می خوانم که از من روی برنگردان، بزرگواری کن و توبه مرا بپذیر، به اشک چشم من نگاه کن، به خاطر این اشک ها به من رحم کن و خطای مرا ببخش و مغفرت خودت را به من عطا کن ای که از همه بر من مهربان تری! خدایا! از کسی که بر من ستم روا می دارد انتقام بگیر، در مقابله با دشمنم،

مرا یاری کن! خدایا! مصیبت مرا در دینم قرار مده، و دنیا را مهم ترین هدف من و نهایت علم من قرار نده! خدایا! دینم را که مهمترین سرمایه ام است را اصلاح کن! دنیا را که راه به دست آوردن معاشم است، اصلاح کن! آخرتم را که سرانجامم به سوی آن است، اصلاح کن! زندگی مرا راهی برای دست آوردن همه خوبی ها قرار بده! مرگم را راه راحتی از سختی ها قرار بده! تو آن خدایی هستی که بخشیدن و عفو را دوست داری، پس مرا ببخش و عفو کن! مرا تا آن زمان زنده بدار که می دانی زنده ماندنم، برایم خیر و برکت دارد، مرگ مرا زمانی برسان که می دانی مرگم برایم نیکو و شایسته است.

از تو می خواهم کاری کنی که در آشکار و نهان از تو خشیت و ترس داشته باشم! کاری کن که در غضب و خوشحالی از انصاف و عدالت خارج نشوم.

خدایا! در فقر و بی نیازی به من میانه روی در هزینه ها را عطا کن! از تو نعمت همیشگی و شادمانی که هرگز به غم تبدیل نشود می خواهم. خدایا! کاری کن تا به آن چه تو برایم تقدیر کرده ای، راضی باشم! از تو می خواهم لذت دیدار خودت را به من ارزانی داری و مرا در کارهایم هدایت کنی، از شرّ نفسم به تو پناه می برم! ***

«أَسْأَلُكَ الرَّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ».

«خدایا! کاری کن تا به آن چه تو برایم تقدیر کرده ای، راضی باشم!».

به راستی «تقدیر» چیست؟ خدا برای انسان ها، برنامه ریزی می کند، به این برنامه «تقدیر» می گویند. تقدیر، همان سرنوشت هر انسان است که به آن «قضا و قدر» هم گفته می شود.

این سخن پیامبر است: «هر کس به تقدیر خدا ایمان نداشته باشد، خدا در روز قیامت به او نظر رحمت نمی کند» (1). به راستی، این سرنوشت (قضا و قدر) چیست؟ اگر خدا به ما اختیار داده است و در انجام کارهای خود، اختیار داریم، پس دیگر سرنوشت (قضا و قدر) چه معنایی دارد؟ اگر خدا زندگی ما را برنامه ریزی می کند، دیگر اختیار ما چه معنایی دارد؟ یکی از یاران امام صادق علیه السلام درباره قضا و قدر از ایشان سؤال کرد، امام به او فرمود:

-- آیا می خواهی سرنوشت یا قضا و قدر را در چند جمله برایت بیان کنم؟ -- آری. مولای من! -- وقتی روز قیامت فرارسد و خدا مردم را برای حسابرسی جمع کند، از قضا و قدر یا سرنوشت آن ها سؤال نمی کند، بلکه از اعمال آنان سؤال

ص: 46

1- . الخصال ص 203، بحار الأنوار ج 87، وسائل الشیعه ج 25 ص 335.

می کند.

من باید در این جمله فکر کنم. منظور از این سخن چیست؟ خدا در روز قیامت هنگام حسابرسی از من سؤال می کند: «چرا دروغ گفتی؟ چرا تهمت زدی؟ چرا به دیگران ظلم کردی؟».

این سوالات درستی است، زیرا خدا از کارهایی سؤال می کند که من انجام داده ام، اما خدا هرگز در روز قیامت به من نمی گوید: «چرا مریض شدی؟ چرا عمر تو کوتاه بود؟ چرا در ایران به دنیا آمدی؟»، زیرا این ها چیزهایی است که به سرنوشت (قضا و قدر) برمی گردد.

روشن است که منظور از مرگ و بیماری در اینجا، چیزی است که من خودم باعث آن نبوده ام. اگر من خودم باعث بیماری یا مرگ خودم بشوم، این دیگر تقدیر نیست، بلکه عمل خود من است. (کسی که خودکشی می کند، خودش چنین اراده کرده است).

اکنون دانستم که زندگی من دو محدوده جداگانه دارد:

* محدوده اول: محدوده عمل.

در این محدوده همه کردارها و رفتارهای من جای می گیرد (نماز خواندن، کمک به دیگران، روزه گرفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن و...).

محدوده دوم: محدوده قضا و قدر.

در این محدوده سرنوشت من جای می گیرد (مدت عمر من، بیماری و سلامتی من، بلاها، سختی ها و...).

ص: 47

خدا در روز قیامت فقط و فقط درباره محدوده اول از من سؤال می کند، زیرا من مسؤول کردار و رفتار خود هستم. خدا هرگز عمل مرا برنامه ریزی و تقدیر نمی کند، این خود من هستم که با اختیار خود، عمل و کردار خود را شکل می دهم.

ولی خدا به حکمت خویش، روزیِ عدّه ای را کم و روزیِ عدّه ای را زیاد می کند، عدّه ای در بیماری و سختی هستند و عدّه ای هم در سلامتی. عدّه ای در جوانی از دنیا می روند و عدّه ای دیگر در پیری، این ها از قضا و قدر است. (1) حضرت فاطمه علیها السلام به ما یاد می دهد که به تقدیر خدا راضی و خشنود باشیم و بدانیم خدا به حکمت خویش، جز خوبی برای ما تقدیر نمی کند. کسی که با اندیشه فاطمه علیها السلام آشنا است دیگر امور زندگی خود و دیگران را به «شانس» نسبت نمی دهد، نمی گوید: «دوستم چه شانس خوبی دارد»، «من چقدر بدشانس هستم»، او این امور را تقدیر خدایی می بیند که جز خوبی برای بندگان نمی خواهد.

ص: 48

خدایا! من با گناه بر خود ستم کرده ام، از تو می خواهم گناهانم را ببخشی که کسی غیر از تو گناهان را نمی بخشد! خدایا! قبل از آنکه بلا به سراغم بیاید، عافیت به من ارزانی دار، اگر بلایی بر من نازل شد، صبر بر آن را به من بده، از تو می خواهم مرگ من، سفر به سوی مهربانی تو باشد.

خدایا! تو و همه فرشتگان و هر کس در آسمان ها و زمین است را به گواهی می گیرم که جز تو خدایی نیست. تو شریک و همتایی نداری! شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده توست.

خدایا! من از تو حاجت های خود را می خواهم و به درگاه تو گدایی می کنم که حمد و ستایش، مخصوص توست و معبودی جز تو وجود ندارد، تو

آسمان‌ها و زمین را آفریدی، تو قبل از وجود هر موجودی، بوده‌ای و همه چیز را تو خلق کردی و بعد از آن که همه موجودات از بین می‌روند، تو باقی خواهی بود.

خدایا! چشم امیدم به سوی رحمت توست، دست خود را به سوی کرم تو دراز کرده‌ام، مرا ناامید مکن در حالی که به تو امید دارم! خدایا! من از تو طلب بخشش می‌کنم، مرا عذاب نکن در حالی که من از تو می‌خواهم مرا ببخشی! گناهانم را ببخش، چرا که توبه همه چیز من، آگاهی، مرا عذاب مکن چرا که تو بر من قدرت داری! من تو را به رحمت و مهربانی ات سوگند می‌دهم و از تو می‌خواهم مرا ببخشی، ای که از همه کس بر من مهربان‌تری! ***

شرح دعا

«فَاعْفُ عَنِّي ... فَاغْفِرْ لِي».

حضرت فاطمه علیها السلام از خدا «عفو» و «مغفرت» را می‌طلبد، در زبان فارسی ما این دو واژه را «بخشیدن» معنا می‌کنیم، ولی میان آنها، تفاوتی وجود دارد که با یک مثال، آن را بیان می‌کنم:

فرزندى هنگام بازی با توپ، شیشه خانه را می‌شکند، او می‌ترسد و فرار می‌کند. بعد از مدتی، او پشیمان می‌شود و به خانه برمی‌گردد و از پدرش عذرخواهی می‌کند، پدر او را می‌بخشد، اما با شیشه شکسته چه باید کرد؟ فرزند از پدر می‌خواهد تا اثر اشتباه او را برطرف کند. پدر از دوستش

ص: 50

می خواهد تا پنجره خانه را شیشه کند، بعد از مدتی همه چیز درست می شود.

با بازگشت فرزند به خانه و پشیمانی او، پدر او را «عفو» می کند، ولی وقتی پدر آن شیشه را درست کرد، «مغفرت» معنا پیدا می کند. (1)

خدا به ما فرمان داده است تا نافرمانی او را نکنیم، افسوس که ما فریب شیطان را خوردیم و گناه کردیم، وقتی ما پشیمان می شویم، از خدا می خواهیم ما را ببخشد و «عفو» کند، ولی وقتی از او می خواهیم تا آثار گناه ما را از بین ببرد، از خدا «مغفرت» خواسته ایم.

*** در این دعا، فاطمه علیها السلام «خشیت از خدا» را طلب می کند و می گوید:

«أَسْأَلُكَ خَشِيَّتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ».

«خدایا! کاری کن که در آشکار و نهان از تو خشیت داشته باشم».

بعضی ها «خشیت» را «ترس» معنا می کنند، در حالی که «خشیت از خدا» به معنای «ترس از خدا» نیست، آری، واژه «خوف» به معنای «ترس» است، «خوف از خدا» یعنی «ترس از خدا».

نکته مهم این است، بین «خوف از خدا» و «خشیت از خدا» تفاوت وجود دارد.

بگذار این گونه برای بگویم: شخصی به جنگل می رود، ناگهان صدای شیری به گوش می رسد. ترس وجود او را فرا می گیرد و فرار می کند، زیرا خطری او را تهدید می کند. اینجا «خوف» معنا پیدا می کند.

ص: 51

1- . معجم مقاییس اللغة ج 4 ص 56، التحقيق في كلمات القرآن ج 8 ص 183، النهايه في غريب الحديث ج 3 ص 373، لسان العرب ج 5 ص 25.

ولی شخصی که در جاده رانندگی می کند، از پلیس راه نمی ترسد، او مواظب است تا تخلف نکند، زیرا اگر پلیس متوجه تخلف او شود او را جریمه می کند، راننده وقتی پلیس را می بیند بیشتر دقت می کند، در واقع او از سرانجام کار خودش می ترسد که نکند جریمه شود.

در زبان عربی، هنگامی که آن شخص از شیر ترسید از واژه «خوف» استفاده می کنند ولی برای آن حالتی که راننده در مقابل پلیس راه دارد، واژه «خشیت» را به کار می برند. (1) پس «خشیت» به معنای «خوف» نیست. حضرت فاطمه علیهاالسلام در این دعا «خشیت از خدا» را می خواهد. قرآن می گوید هر کس علم داشته باشد از خدا خشیت دارد. یعنی مواظب است گناه نکند و از مسیر حق خارج نشود. او می داند که اگر گناه بکند خودش گرفتار می شود. یک انسان معمولی ممکن است از خدا بترسد؛ اما کسی که عالم و دانشمند است می داند خدا ترس ندارد و فقط اوست که به مقام «خشیت» می رسد، حضرت فاطمه علیهاالسلام در این دعا از خدا این مقام را می خواهد.

ص: 52

1- . مفردات غریب القرآن ص 149، تاج العروس ج 1 ص 87.

ای خدایی که رحمت تو، وسیع است و درود تو، بهترین درود است از تو می خواهیم بر محمد صلی الله علیه و آله بهترین درود را بفرستی که او بهترین بنده توست، تو ما را به دست او از نادانی نجات دادی و به ساحل هدایت رساندی، پس توفیقمان بده تا از او پیروی کنیم و رستگار شویم.

پروردگارا! حمد و ستایش، مخصوص توست، تو سرچشمه همه خوبی ها هستی! من تو را ستایش می کنم به اندازه آسمان ها و زمین و آنچه در میان آسمان ها و زمین است، تو را ستایش می کنم به اندازه آنچه آفریده ای از عرش و بهشت و ...

تو را ستایش می کنم به اندازه ذرات آب و خاک! به اندازه آنچه دیده

می شود و آنچه دیده نمی شود! خدایا درود و برکت و رحمت و نعمت خودت را بر محمد و خاندان پاکش نازل کن همانگونه که درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او عطا کردی که تو بزرگواری! خدایا! بالاترین مقام در بهشت را به محمد صلی الله علیه و آله ارزانی دار و در روز قیامت، بهترین پاداش را به او عطا کن تا او را بر همگان برتری داده باشی! خدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست، بر همه فرشتگان و پیامبران درود بفرست! سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل! سلام بر فرشتگان که نظام هستی را به اذن تو، مدیریت می کنند و جلوه قدرت تو هستند.

سلام بر آن فرشتگان که به درگاه تو نزدیک تر از بقیه هستند! سلام بر فرشتگانی که اعمال انسان ها را ثبت می کنند! سلام بر فرشتگان بلندمرتبه! سلام بر پدر و مادرمان، آدم و حوا! سلام بر همه پیامبران! سلام بر صدیقان، شهدا و نیکوکاران! تو را حمد و ستایش می کنم، باور دارم که هر تغییری در این جهان با اجازه توست، هر قدرتی که می بینم از تو قدرت گرفته است، تو خدای بلند مرتبه هستی! تو برای یاری من، کفایت می کنی و من بر تو توکل می کنم، از تو

می خواهیم تا بر محمد و آل محمد، سلام و درود فراوان بفرستی!

شرح دعا

«سَلَامٌ عَلَىٰ جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ...».

«سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل! سلام بر فرشتگان! سلام بر همه پیامبران...».

در اینجا حضرت فاطمه علیها السلام به من یاد می دهد که وقتی با خدا سخن گفتم و حاجت خود را از او خواستم به همه پیامبران، فرشتگان و بندگان خوب خدا، سلام کنم، در واقع من با این کار به جلوه خوبی ها احترام می گذارم و وقتی بر کسانی که نزد خدا عزیز و بزرگوار هستند، سلام می کنم، آنان نیز جواب این سلام را می دهند، هر چند من جواب آنان را نمی شنوم، این جواب آنان باعث می شود تا خیر و رحمت را به سوی خود جذب کنم.

ص: 55

دعای بعد از نماز مغرب

اشاره

ص: 57

تورا حمد و ستایش می‌کنم، تو سرچشمه همه خوبی‌ها هستی، خدایا! ما هرگز نمی‌توانیم از عهده ستایش تو برآییم، ما نمی‌توانیم نعمت‌های تو را بشماریم، ما هر چقدر هم تو را عبادت کنیم باز هم نمی‌توانیم حق تو را ادا نماییم! خدایی جز تو نیست، تو قبل از خلقت موجودات بوده‌ای، تو بعد از نابودی آنان، خواهی بود، تو همیشگی و جاویدان هستی! تو ظاهر و باطن هستی، تو زنده می‌کنی و می‌میرانی! تو بزرگ‌تر از آن هستی که کسی بتواند تو را وصف کند، همه خوبی‌ها از آن توست. هرگز نابود نمی‌شوی! تورا ستایش می‌کنم که دانشمندان نمی‌توانند به علم تو برسند و جاهلان

نمی توانند با کارهای خود، حلم را از تو بگیرند و مدح کنندگان نمی توانند به شایستگی، تو را مدح کنند، همه از وصف تو ناتوانند و کسی نمی تواند به کمالات تو دست پیدا کند.

تورا ستایش می کنم ای خدایی که در آسمان و زمین، قدرت فراوان داری! ای که عظمت و بزرگی داری! ای که شکوه و زیبایی داری! ای که قدرت بی انتهاست! ای که مهربان هستی و به عدالت حکم می کنی! تو جهان را آفریدی، بلندمرتبه هستی، صاحب حکمتی! بی نیاز از همه کس هستی! حلم داری و دانایی! تو بر بندگانت نعمت فراوان دادی، همه ویژگی های تو زیباست، مالک دنیا و آخرت، بهشت و جهنم هستی!...

تورا ستایش می کنم که رازهای پنهان را می دانی، بر آنچه در دل ها می گذرد، آگاه هستی، هیچ کس نمی تواند از دست قدرت تو فرار کند، تو بر همه چیز توانایی! تورا ستایش می کنم که با قدرت تو، آسمان ها پابرجاست و زمین آرام است، ابرها در حرکتند! تو برتر از همه ای، ای خدایی که تعداد قطرات باران و برگ های درختان را می دانی، تو در روز قیامت مردگان را زنده می کنی.

خدایا! من بنده تو هستم، در این دنیا، غریب هستم و نیازمندم و به تو پناه آورده ام، پس با من چگونه رفتار می کنی؟ من به درگاه تو آمده ام تا از من راضی شوی، تو حال و روز مرا می دانی، پس بر من رحم کن، دعایم را مستجاب کن و مرا ناامید مکن!

روزها در گذر است، سال ها می گذرد، گردش روزها و سال ها، همه چیز را به نابودی می کشاند، اما تو همیشه بوده ای و خواهی بود و هرگز دگرگون نمی شوی... .

شرح دعا

لحظه ای درنگ می کنم، به این جمله می اندیشم:

«يَا مُحْصِيَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَوَرَقِ الشَّجَرِ».

«ای خدایی که تعداد قطرات باران، برگ های درختان را می دانی».

این سخن، چه پیامی برای من دارد؟ عده ای که خود را «فیلسوف» خوانده اند بر این باور هستند که خدا علم به جزئیات این دنیا ندارد، یعنی خدا نمی داند که یک درختی که در منزل من است، چند برگ دارد، خدا نمی داند که امشب روی پشت بام منزل من، چند قطره باران باریده است.

آنان می گویند علم خدا به صورت کلی است! خدا فقط می داند که درختان، برگ دارند و باران می بارد، آنان که چنین باوری دارند خود را در اوج قله معرفت خدا هم می دانند و خیال می کنند با علم فلسفه می توانند به خدا نزدیک تر شوند. وقتی من این سخن حضرت فاطمه علیها السلام را می خوانم می فهمم که آن باور غلط است، فاطمه علیها السلام این گونه خدا را صدا می زند: «ای خدایی که تعداد قطرات باران، برگ های درختان را می دانی!». خدا به همه جزئیات این دنیا علم و آگاهی دارد.

ص: 61

اکنون نگاهی به این دنیای بزرگ می‌کنم، هر روز چیزهای جدیدی می‌بینم، دانه‌هایی که جوانه می‌زند، برگ درختی که روییده می‌شود و یا از درخت جدا می‌شود، قطرات بارانی که می‌بارد، نسیمی که می‌وزد، موجی که از سوی دریا به ساحل می‌رسد، صدای پرنده‌ای که به گوش می‌رسد....

همه این‌ها را به چشم خود می‌بینم و می‌دانم که خدا از همه این‌ها باخبر است، هیچ چیز از خدا پنهان نیست، او به همه ذرات دنیا آگاهی دارد.

ص: 62

خدایا! من از سختی روز قیامت به تو پناه می برم، می دانم که روز قیامت برای گناهکاران بسیار سخت خواهد بود، از تو می خواهم آن روز را بر من آسان گردانی! آن روز، گرمای خورشید بی داد می کند، پس مرا در سایه رحمت خودت قرار بده! خدایا! گناهانم ببخش و از خطایم درگذر! بلاها را از من دور گردان، دین مرا از خطر گمراهی نجات بده! من تو را می خوانم و اطمینان دارم که تو جواب مرا می دهی، می دانم که سخن مرا می شنوی، از تو می خواهم که امید مرا ناامید نکنی. من نیاز به رضایت تو دارم، من محتاج بخشش تو هستم، من تو را صدا می زنم و از رحمت تو ناامید نمی شوم.

خدایا! مرا در حالی که به تو ایمان دارم بمیران و مرا در گروه نیکوکاران محشور کن، مرا به خودم وامگذار... .

به حالم در لحظه مرگ رحم کن! به تنهایی من در قبر رحم کن! به غربت من در روز قیامت رحم کن! به فقر و نیازمندی ام در هنگام حسابرسی رحم کن! من از آتش جهنم به تو پناه می برم، پس پناهم بده... .

آقای من! ای که در حق من نیکی کردی و با من مهربان بودی، به اشک چشمم رحم کن و دیدار روی خودت را روزی ام کن و مرگ مرا مایه راحتی ام قرار بده... .

شرح دعا

فاطمه علیها السلام از خدا چنین می خواهد:

«وَالنَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي».

«دیدار چهره خودت را روزی ام کن».

به راستی منظور از «وَجْهُ اللَّهِ» چه می باشد؟ واژه «وجه» به معنای «چهره» می باشد، مگر خدا، جسم است؟ مگر خدا مانند انسان است که چهره داشته باشد که من در آرزوی دیدن چهره خدا باشم؟ در اینجا ماجرای از «اباصلت هروی» را نقل می کنم، او یکی از یاران امام رضا علیه السلام بود. او اهل حدیث بود و زیاد مطالعه می کرد، هر وقت سؤلی به ذهنش می رسید از امام رضا علیه السلام سؤل می کرد.

ص: 64

-- آقای من! حدیثی را شنیده ام و دوست دارم شما نظر خود را در مورد آن بفرمایید.

-- ای اباصلت! حدیث خودت را بگو! -- مولای من! شنیده ام وقتی روز قیامت فرا برسد، افراد با ایمان وارد بهشت می شوند، آن ها وقتی در منزل و جایگاه خود قرار می گیرند، خدای خود را زیارت می کنند. آیا چنین سخنی درست است؟ آیا مؤنان در بهشت خدا را می بینند؟ آیا می توان خدا را در بهشت با چشم دید؟ -- ای اباصلت! خداوند پیامبرش، محمد صلی الله علیه و آله را بر همه فرشتگان و بر همه بندگان خود برتری داده است و اطاعت از محمد صلی الله علیه و آله را اطاعت از خودش معرفی کرده است. همچنین او دیدار محمد صلی الله علیه و آله را به منزله دیدار خودش قرار داده است. آیا این سخن را شنیده ای که پیامبر فرمود: «هر کس مرا زیارت کند، همانند این است که خدا را زیارت کرده است». در بهشت، مؤنان در جای خود هستند، آن ها بعضی وقت ها اجازه دارند تا به جایگاه پیامبر نگاه کنند و آن حضرت را ببینند. این دیدار پیامبر برای مؤنان، همانند دیدار خداوند است».

وقتی اباصلت این سخن را شنید به فکر فرو رفت، آری، خدا جسم نیست تا بتوان او را دید، اما خدا، دیدار پیامبر را همانند دیدار خودش قرار داده است تا هر کس که می خواهد خدا را ببیند، پیامبر را ببیند. پیامبر، بنده خداست، او بندگی خدا را به جایی رسانده است که از همه فرشتگان و

پیامبران سبقت گرفته است، مقام او از همه بالاتر و والاتر است، برای همین است هر کس او را ببیند، همانند این است که خدا را دیده است.

جواب امام برای ابصلت، خیلی جالب بود، برای همین فرصت را غنیمت شمرد و سؤل دیگری پرسید:

-- آقای من! در حدیث دیگری شنیده ام که ثواب لا إله إلا الله این است که انسان می تواند به چهره خدا نگاه کند. نظر شما در مورد این حدیث چیست؟ -- ای ابصلت! بدان که خدا چهره و صورت ندارد، هر کس بگوید که خدا مانند انسان ها چهره و صورت دارد، کافر شده است.

-- پس منظور از این حدیث چیست؟ -- خدا پیامبران و نمایندگان خود را به عنوان چهره خود (وجه الله) معرفی کرده است. یعنی هر کس دین خدا و معرفت و شناخت او را می خواهد، باید نزد پیامبران و نمایندگان خدا برود، فقط آن ها هستند که می توانند معرفت و شناخت واقعی را برای مردم بیان کنند. آنانی که لا إله إلا الله بگویند در روز قیامت می توانند با پیامبران و نمایندگان خدا همراه باشند و آنان را ببینند و این ثواب بزرگی برای اهل ایمان است. هیچ چشمی نه در دنیا و نه در آخرت نمی تواند خدا را ببیند، با این حال، خدا دوستان خود را به عنوان «چهره خود» معرفی کرده است. (1) بار دیگر ابصلت به فکر فرو رفت، او فهمید که «وجه الله: چهره خدا»، لقب «حجت خدا» است. حجت خدا در هر زمانی، وجه خداست.

وقتی من به دیدار بزرگی می روم، با کمال احترام روبروی چهره آن شخص

ص: 66

1- . الأمالی للصدوق ص 545، التوحید للصدوق ص 178، عیون أخبار الرضا ج 2 ص 105، وسائل الشیعه ج 14 ص 325، الاحتجاج ج 2 ص 189، جامع أحادیث الشیعه ج 12 ص 233، تفسیر نور الثقلین ج 5 ص 60.

می ایستم و سلام می کنم، هیچ وقت نمی روم به چهره او پشت کنم و سلام بنمایم.

در این زمان، حضرت مهدی علیه السلام حجت خداست، خدا او را به عنوان چهره خود معرفی کرده است، خدا می خواهد به بندگان خود بگوید که اگر با من کاری دارید باید ولایت مهدی علیه السلام را قبول داشته باشید و به او عشق بورزید، نمی شود کسی مهدی علیه السلام را فراموش کند و دم از عشق به خدا بزند؟ خدا این را قبول ندارد، خدا می خواهد به همه مردم بگوید اگر می خواهند به او نزدیک شوند باید علی علیه السلام و فرزندان او را دوست بدارند.

هر کس که لا إله إلا الله را بگوید، در روز قیامت می تواند پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام را ببیند، اگر کسی اعتقاد به خدای یگانه داشته باشد روز قیامت می تواند پیامبر و حضرت علی و امام حسن و امام حسین و دیگر امامان علیهم السلام را ببیند و با آنان همنشین باشد و از شفاعت آن ها بهره مند شود.

*** اکنون دیگر می دانم منظور از «چهره خدا» چیست، حضرت فاطمه علیها السلام در دعای ظهر که شرح آن گذشت، چنین می گوید:

«أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَيَّ وَجْهَكَ».

«بار خدایا! از تو لذتِ نظر به چهره خودت را می خواهم».

من چقدر به این دعا نیاز دارم، این جمله چقدر دید مرا به زندگی تغییر می دهد، من لذت را در زندگی مادی جستجو می کردم، اما اکنون آموختم که بالاترین لذت، لذت دیدار چهره خدا است، آنان که اهل معرفت هستند

وقتی به کربلا یا مشهد می روند، لذتی را در روح خود احساس می کنند که اهل دنیا هرگز آن را نچشیده اند.

آنان که باتقوا شدند و عشق امام زمان در دل آنان نشست به دیدار او می رسند، آنان چهره مولای خود را می بینند و به وصال او می رسند، خوشا به حال آنان که حقیقت عشق را دریافتند.

افسوس که من گرفتار غفلت شدم، حجت خدا را از یاد بردم، به لذت های پست دنیا مشغول شدم و اصلاً درکی از لذت دیدار چهره خدا نداشتم! کاش به این باور می رسیدم که زندگی بدون او، مرگ است و مرگ بدون معرفت او، مرگ جاهلیت است. به یاد دارم که چقدر برای حاجت های دنیای خودم، دعا کردم و اشک ریختم، اما یک بار چنین خواسته ای نداشتم! یک بار به دیدار حجت خدا فکر نکردم! ولی هنوز دیر نشده است، باید بارها این دعا را بخوانم:

«أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَيَّ وَجْهَكَ».

باید دل را به عشق امام زمان پیوند بزنم و از غیر او دوری کنم، باید زندگی ام، رنگ او را داشته باشد. کسی که عاشق می شود وقتی نام معشوقش را می شنود، ناخودآگاه قلبش از شوق به تپش می افتد، این نشانه عشق است، کاش من هم وقتی نام او را می شنیدم، این گونه قلبم به تپش می افتاد و همه وجودم، شوق دیدار او می شد. کاش ضربان قلبم، ندای «یا مهدی» می گفت... .

خدایا! من از گناهان خود به سوی تو فرار می‌کنم، پس مرا بپذیر! من از عدالت تو به بخشش تو پناه می‌برم، پس مرا دریاب! من از عذاب تو به مهربانی تو پناهنده می‌شوم، پس بر من مهربانی کن! من به وسیله دین اسلام به تو نزدیک می‌شوم، پس مرا به خود نزدیک گردان و مرا از ترس روز قیامت ایمن دار و در سایه عرش خودت، جایم بده و مرا به سلامت از دنیا نجات بده، مرا از تاریکی‌ها به سوی نور ببر و در روز قیامت، رویم را درخشان کن، مرا در آن روز شرمسار مکن! خدایا! در سختی‌ها و بلاها به من صبر بده! تو بودی که یوسف علیه السلام را از بدی و گناه دور ساختی، پس مرا هم از گناه دور ساز! آن بلایی را که من طاقت آن را ندارم بر من نازل نکن! مرا به سوی بهشت رهنمون ساز و از

قرآن بهره مندم بگردان! مرا در ایمان به خودت، ثابت قدم گردان و از شرّ شیطان نجاتم بده! با قدرت خودت، مرا از گناه دور بگردان! مرا از آتش جهنم نجات بده و در بهشت خود جای بده! دیدار خودت را نصیبم کن، مرا با پیامبرت، محمد صلی الله علیه و آله محشور نما و از شیطان ها و دوستان آنان نجات بده! ***

شرح دعا

به این سخن فاطمه علیها السلام باید دقت کنم:

«صَرَفْتُ عَنْ يُونُسَ الشُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ».

«خدایا! تو یوسف را از بدی و گناه پلیدی دور ساختی!».

وقتی ماجرای یوسف علیه السلام را می خوانم می بینم که یوسف علیه السلام چندین سال در گوشه زندان افتاد، او در زندان سختی های فراوان کشید، تا انسان زندان را تجربه نکند، نمی تواند زجرهای یک زندانی را درک کند، آنان که این زجر را کشیده اند می دانند که زندان، چیز بدی است.

در این دعا، فاطمه علیها السلام می گوید که خدا بدی را از یوسف علیه السلام دور کرد، در حالی که یوسف علیه السلام در زندان افتاد، پس معلوم می شود که فاطمه علیها السلام زندان رفتن یوسف علیه السلام را بد نمی داند.

آری، خدا بدی را از یوسف دور کرد، زمانی که زلیخا و دیگر زنان از یوسف می خواستند گناه کند، یوسف از خدا خواست تا او را یاری کند، این خدا بود که از یوسف گناه زنا را دور کرد.

ص: 70

یوسف علیه السلام به زندان رفت، سختی کشید، ولی این سختی ها، بد نبود، چون در راه بندگی خدا بود، خوبی بود، ظاهر آن، بلا و مصیبت بود، اما در حقیقت همین زندان بود که او را از گناه نجات داد.

این سخن درس بزرگی برای من دارد، من باید از خدا بخواهم «بدی ها» را از من دور کند، باید از او بخواهم که در مسیر بندگی او باشم، حال اگر در این مسیر به بلا و سختی گرفتار شدم، آن را زیبا ببینم، سختی ها باعث رشد و کمال من می شوند.

ص: 71

خدایا! دشمنان و کسانی که به من کینه دارند، اگر قصد آزار مرا نمودند تو شجاعان آنان را ضعیف کن، لشکریانشان را متفرق نما، سلاحهایشان را از کار بینداز! بادهای تند و طوفان های سخت را بر آنان مسلط نما و ما را بر نابودی آنان یاری کن! خدایا! بر محمد و خاندان او، درود فرست... .

سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر تو ای امین خدا! سلام بر تو ای محمد! سلام و رحمت خدا بر تو باد! خدایا! من باور دارم که محمد صلی الله علیه و آله با مؤنان، مهربان و رئوف است، پس از

تو می خواهم بهترین ها را به او عطا کنی! خدایا! دعای مرا اجابت کن که تو بهترین کسی هستی که از او حاجت می طلبند، ای پروردگار
جهانیان! ***

شرح دعا

فاطمه علیها السلام از خدای خویش چنین می خواهد:

«فَجَبِّنْ شَجِيْعَهُمْ، فُضِّ جَمْعَهُمْ...».

«خدایا! شجاعان لشکر دشمن را ضعیف کن، لشکر آنان را متفرق نما... ما را بر نابودی آنان یاری کن».

عده ای که دم از عرفان می زنند، سخن دیگری می گویند، آنان به من می گویند که وقتی انسان به اوج عرفان رسید همه انسان ها را دوست می دارد و با هیچ کس دشمنی نمی کند. محیی الدین عربی (که عده ای او را استاد عرفان می دانند) به جایی رسیده بود که هم به علی علیه السلام و هم به معاویه، عمر و ابوبکر، عشق می ورزید. (1) ولی مکتب فاطمه علیها السلام چیز دیگر می گوید، او در حق دشمنان حق و حقیقت نفرین می کند، او به من می آموزد که با دشمنان باید دشمنی کرد. حضرت علی علیه السلام هم در قنوت نماز خود، دشمنان را لعنت می کرد، همه امامان معصوم علیهم السلام نیز این گونه بودند و دشمنان حق و حقیقت را با زبان لعنت می کردند تا شیعیان راه را گم نکنند. شیعیان واقعی هم در طول تاریخ این گونه بوده اند.

ص: 73

1- . کتاب فتوحات مکیه لمحیی الدین عربی ج 2 ص 6.

*** گروهی از شیعیان نزد امام صادق علیه السلام نشستند، امام از آنان پرسید:

-- محکم ترین دستاویز چیست؟ -- آقای ما! نماز محکم ترین دستاویز است.

-- نماز فضیلت زیادی دارد ولی پاسخ سؤل من، نماز نیست.

-- زکات.

-- زکات فضیلت زیادی دارد، ولی محکم ترین دستاویز نیست.

-- روزه و حجّ و جهاد در راه خدا.

-- همه این ها فضیلت و ثواب زیادی دارند، اما محکم ترین دستاویز چیز دیگری است.

-- آقای ما! هیچ کس جز شما جواب این سؤل را نمی داند.

-- بدانید که محکم ترین دستاویز ایمان، دوستی و دشمنی به خاطر خداست. اگر شما دوستان خدا را دوست بدارید و از دشمنان خدا بیزارى بجوئید به محکم ترین دستاویز ایمان چنگ زده اید. (1) *** پس از رحلت پیامبر، مردم با ابوبکر بیعت کردند، حوادث دردناکی برای عزیزان پیامبر پیش آمد، چند ماه گذشت. فاطمه علیها السلام در بستر بیماری افتاد، ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند به عیادت فاطمه علیها السلام بروند. آنان به علی علیه السلام خبر دادند و قرار شد نزد فاطمه علیها السلام بروند.

ابوبکر و عمر وارد خانه فاطمه علیها السلام شدند. سلام کردند و نشستند،

ص: 74

1- . المحاسن ج 1 ص 165، الکافی ج 2 ص 126، معانی الاخبار ص 398، وسائل الشیعه ج 16 ص 168.

فاطمه علیها السلام مجواب آنان را نداد و روی خود را برگرداند. (1) عُمر نگاهی به ابوبکر کرد و از او خواست تا سخن خود را آغاز کند.

ابوبکر چنین گفت: «ای دختر پیامبر! آیا می شود ما را ببخشی؟». (2) فاطمه علیها السلام همان طور که روی خود را به دیوار کرده بود، چنین گفت:

-- آیا شما از پیامبر شنیدید که فرمود: «فاطمه، پاره تن من است و من از او هستم، هر کس او را آزار دهد مرا آزار داده است و هر کس مرا آزار دهد خدا را آزرده است؟» -- آری، ای دختر پیامبر! ما این حدیث را از پیامبر شنیدیم.

-- شکر خدا که شما به این سخن اعتراف کردید.

فاطمه علیها السلام دستان خود را به سوی آسمان گرفت و روی خود را به سوی آسمان کرد و از سوز دل چنین فرمود: «بارخدا یا! تو شاهد باش، این دو نفر مرا آزار دادند و من از آن ها راضی نیستم». (3) سپس رو به آن ها کرد و فرمود: «به خدا قسم! هرگز از شما راضی نمی شوم، من منتظر هستم تا به دیدار پدرم بروم و شکایت شما را به او کنم». (4) *** من برای زندگی در این دنیا دوراه بیشتر ندارم، یا باید به حزب خدا بپیوندم یا به حزب شیطان. وقتی من از دشمنان حق بیزار می جویم، از شیطان و حزب او و دوستانش بیزار شده ام.

حقیقت دین چیزی جز تولی و تبری نیست.

ص: 75

-
- 1- . بحار الأنوار ج 29 ص 157.
 - 2- . بحار الأنوار ج 29 ص 32 وراجع: عمده القاری ج 15 ص 20، کنز العمّال ج 5 ص 605، سیر أعلام النبلاء ج 2 ص 121، تاریخ الإسلام للذهبی ج 3 ص 47، البدایه والنهایه ج 5 ص 310.
 - 3- . کتاب سلیم بن قیس ص 391، بحار الأنوار ج 28 ص 303، علل الشرائع ج 1 ص 187، بحار الأنوار ج 43 ص 203.
 - 4- . کتاب سلیم بن قیس ص 391، بحار الأنوار ج 28 ص 303 و ج 43 ص 199.

توّلّی یعنی با دوستان خدا دوست بودن! تَبَرّی یعنی با دشمنان خدا دشمن بودن! دین یعنی این که من دوستان خدا را دوست بدارم و دشمنان خدا را هم دشمن بدارم! تَبَرّی، یعنی بی رنگی تمام جاذبه ها و جلوه های شیطانی در زندگی من! تَبَرّی، یعنی بریدن از همه پلیدی ها و پیوستن به همه خوبی ها!

ص: 76

دعای بعد از نماز عشاء

اشاره

ص: 77

خدایا! تورا تسبیح می کنم، تو آن خدایی هستی که پاک و منزّه هستی! از همه عیب ها به دوری! همه چیز در مقابل تو، فروتن و ذلیل است، تو بر همه چیز قدرت داری، قدرت تویی انتهاست.

تورا ستایش می کنم، کسی که تورا یاد کند تو او را فراموش نمی کنی، هر کس تورا بخواند تو او را ناامید نمی کنی، هر کس بر تو توکل کند، تو او را کفایت می کنی.

تورا ستایش می کنم که آسمان ها را برافراشتی، زمین را آفریدی، دریاها، کوه ها، حیوانات و درختان و چشمه های آب را آفریدی! ابرها را به گردش درآوردی و نعمت های فراوان به بندگان خود دادی، فقط من نیستم که تورا ستایش می کنم، همه موجودات تورا ستایش می کنند....

تو آن خدایی هستی که گناهان بندگانت را می بخشی، توبه آنان را قبول می کنی، عیب های آنان را می پوشانی، دعای آنان را مستجاب می کنی، مردگان را زنده می کنی... .

این توفیقی از طرف توست که من تو را ستایش می کنم، پس باید به خاطر این که توفیق ستایش خودت را به من دادی، تو را شکر کنم.

من به خاطر این که تو را یاد می کنم و شکر نعمت های تو را می کنم، تو را سپاس می گویم.

به خاطر این که در بلاها صبر می کنم، نماز می خوانم، روزه می گیرم، بندگی تو را می کنم، تو را ستایش می گویم.

به خاطر همه نعمت ها، راحتی ها، سختی ها، مصیبت ها، فقر و ثروتمندی ام تو را ستایش می کنم، من در هر حالی که هستم تو را ستایش می کنم! ***

شرح دعا

من خدا را به خاطر نعمت ها، ستایش می کردم ولی در اینجا از فاطمه علیها السلام درس دیگری آموختم، این سخن چه معرفت عمیقی دارد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى... شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَ مُصِيبَةٍ وَ بَلَاءٍ وَ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ...».

«ستایش خدا را به خاطر هر راحتی و سختی و مصیبت و فقر و ثروتمندی...».

من چقدر با این نگاه بیگانه بودم، باید چه کنم که این سخنان را با عمق وجودم بگویم، باید به چه سطحی از معرفت برسم؟ وقتی باور کنم که به

این دنیا آمده ام تا رشد کنم و به کمال برسم، این سخنان فاطمه علیها السلام را عین حقیقت می یابم.

خدایی که مرا آفریده است برای کمال بیشتر، مرا به این دنیا آورده است، او برای من برنامه دارد، من باید به برنامه او راضی و خشنود باشم، از یأس و ناامیدی و نفرت سخن نگویم، باید در سختی ها هم به رضای او، راضی باشم و با او انس بگیرم و او را دوست داشته باشم.

من باید نگاه خود را به زندگی عوض کنم، باید بدانم برای چه به اینجا آمده ام، اگر به جواب این سؤال رسیده باشم، زندگی را زیبا می بینم، در اوج سختی ها و بلا نیز خدا را شکر می گویم و از زیبایی دم می زنم.

چه کسی بهتر از حسین علیه السلام توانست سخن فاطمه علیها السلام را تحقق بخشد؟ من باید راز کربلا را بیابم! افسوس که برای حسین علیه السلام گریستم، اما ندانستم راه حسین علیه السلام چه بود و او مرا به کدامین زندگی فرا خواند... .

عصر عاشورا بود و حسین علیه السلام در میدان ایستاد، جگر او از تشنگی می سوخت، همه یاران و عزیزانش شهید شده بودند و اکنون او آماده شهادت بود، او به قلب لشکر هجوم برد... ساعتی بعد، باران تیر و سنگ و نیزه باریدن گرفت، تیرها بر بدنش نشست.

سنگی به پیشانی او اصابت کرد و خون از پیشانی او جاری شد و سپس تیری بر قلب او نشست.

صدای او در دشت کربلا پیچید: «من به رضای خدا راضی هستم».⁽¹⁾ حسین علیه السلام در اوج قلّه بلا ایستاد و این گونه فریاد عشق برآورد.

ص: 81

1- . المناقب لابن شهر آشوب ج 4 ص 111؛ بحار الأنوار ج 45 ص 55.

اکنون می خواهیم از زینب علیهاالسلام سخن بگوییم، من زینب را چگونه شناخته ام؟ وقتی حوادث روز دوازدهم محرم سال 61 هجری را می خوانم، می بینم که او را اسیر کردند و به شهر کوفه بردند. ابن زیاد فرماندار کوفه بود و از پیروزی خود سرمست شده بود، او رو به زینب علیهاالسلام کرد و گفت: «ای زینب! دیدی که چگونه برادرت کشته شد. دیدی که چگونه همه عزیزانت کشته شدند».

ابن زیاد منتظر بود تا صدای گریه و شیون زینب بلند شود، اما زینب علیهاالسلام فریاد برآورد: «من در کربلا جز زیبایی ندیدم».⁽¹⁾ تاریخ برای همیشه، مات و مبهوت این جمله زینب است. زینب معمّای بزرگ تاریخ است، او در اوج قلّه بلا ایستاد و جز زیبایی ندید! و چقدر او در میان دوستانش غریب مانده است، دوستانش او را با گریه و ناله می شناسند، اما زینب علیهاالسلام در آن روز، خود را مظهر زیبایی، معرفی کرد.

من باید از حسین و زینب علیهماالسلام درس بگیرم، آنان در دامن مادری همچون فاطمه علیهاالسلام تربیت شده بودند و به این معرفت و شناخت رسیده بودند، باید پیرو آنان باشم... .

ص: 82

خدایا! به تو پناهنده می شوم، مرا پناه بده! از تو یاری می خواهم مرا یاری نما! از تو کمک می خواهم، به فریادم برس! تو را می خوانم پس جواب مرا بده! از تو می خواهم گناهانم ببخشی، پس مرا ببخش! از تو هدایت می خواهم پس هدایت کن! بر تو توکل می کنم پس کفایت کن.

خدایا! مرا در پناه خودت قرار بده تا از هر طرف در امنیت باشم و آزاری از کسی به من نرسد، حسد حسودان و ظلم ستمکاران و نیرنگ مگاران را از من دور کن! من از شرّ و بدی همه موجودات به تو پناه می برم مرا از شرّ آنان دور بگردان! خدایا! تو را به حق آن اسم اعظم تو که از مردم پوشیده است تو را می خوانم تا گناهانم ببخشی، همان اسمی که آسمان ها و زمین به آن استوار

شده است و تاریکی ها با آن روشن شده است، به همان اسم که مرده ها، به برکت آن اسم تو زنده می شوند، به حق آن اسم، همه گناهان مرا ببخش و به من یقین و علم و فهم عطا کن تا قرآن را به پا دارم و حلال تو را حلال بدانم و از حرام تو دوری کنم و دستورات تو را انجام دهم و سنت پیامبر تو را زنده کنم.

خدایا! مرا با نیکوکاران محشور کن، مرا در گروه نیکوکاران قرار بده، من دوست دارم که پرونده اعمال من با زیباترین عمل بسته شود، پس وقتی که مرگ من نزدیک می شود، توفیق بده که بهترین کار در زندگی ام را آن وقت انجام بدهم.

خدایا! وقتی که مرگ من فرارسید، از تو می خواهم در بهشت جایگاهی به من بدهی که همه به من حسرت ببرند و به مقام من، غبطه بخورند.

من تو را ستایش کردم، پس ستایش مرا بپذیر، من به گناهانم اعتراف کردم، پس به من رحم کن، من تو را صدا زدم پس صدایم را بشنو که تو خدایی هستی که به بیچارگان رحم می کنی و بی پناهان را پناه می دهی و فریادرس مؤنان هستی! ***

شرح دعا

فاطمه علیها السلام چنین از خدا می خواهد:

«فَأَسْأَلُكَ ... مَنزِلًا يَغِيظُنِي بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ».

«خدایا! در بهشت جایگاهی به من بده که همه به من حسرت ببرند و به

مقام من، غبطه بخورند».

چه پیام مهمی در این سخن است، فاطمه علیها السلام به من یاد داد که از گناهانم توبه کنم و از خدا بخواهم خطایم را ببخشد و از او چنین خواسته ای را طلب کنم و همّت خود را تا این اندازه بالا ببرم و از خدا مقامی در بهشت را بخواهم که همه انسان ها به من حسرت ببرند.

خدا دوست دارد که بندگانش همّت بلند داشته باشند و آرزوهای بزرگ را از او طلب کنند، ماجرای این پیرزن شنیدنی است:

بنی اسرائیل در انتظار بودند که موسی علیه السلام آن ها را از دست فرعون نجات دهد، سرانجام وعده خدا فرارسید، خدا به موسی علیه السلام فرمان داد تا بنی اسرائیل را از مصر به سوی فلسطین ببرد.

همه آماده حرکت شدند، موسی علیه السلام می خواست از تاریکی شب استفاده کند و قبل از آن که سپاه فرعون متوجّه حرکت آن ها بشود، از مصر بیرون برود.

اینجا بود که خدا با موسی علیه السلام چنین گفت: «ای موسی! قبل از این که از مصر بروی، باید قبر یوسف را پیدا کنی و پیکر او را همراه خود ببری و آن را در بیت المقدس دفن کنی».

موسی علیه السلام رو به یاران خود کرد و گفت: آیا کسی می داند قبر یوسف کجاست؟ هیچ کس جواب نداد، بار دیگر او سخن خود را تکرار کرد، یکی پاسخ داد:

مادربزرگ پیری دارم، گمانم او می داند که قبر یوسف کجاست.

موسی علیه السلام نزد آن پیرزن رفت و گفت:

ص: 85

-- مادر! آیا تو می دانی قبر یوسف کجاست؟ -- آری! می دانم.

-- خوب. آن قبر را نشان ما بده تا ما هر چه زودتر حرکت کنیم.

-- ای موسی! اگر قبر یوسف را می خواهی باید هر چه من می گویم قبول کنی.

موسی علیه السلام به فکر فرو رفت، او نمی دانست آن پیرزن چه خواهد خواست، او نگران بود مبادا آن پیرزن چیزی بخواهد که او نتواند آن را انجام بدهد، ولی خدا از راز دل همه بندگان آگاه است، به موسی علیه السلام چنین گفت: «ای موسی! شرط او را قبول کن».

موسی علیه السلام رو به پیرزن کرد و گفت:

-- مادر! باشد، هر چه بگویی قبول می کنم، بگو بدانم چه می خواهی؟ -- می خواهم که مقام من در بهشت، همچون مقام تو باشد و من هم درجه تو باشم.

موسی علیه السلام از همت والای این پیرزن تعجب کرد و سپس به آن پیرزن قول داد که در روز قیامت، هم درجه او باشد. (1) آری، آن روز همه فهمیدند که چرا خدا به موسی علیه السلام گفت که سخن آن پیرزن را قبول کند، خدا همت بالای او را دوست داشت، هر کس جای او بود، جوانی و ثروت دنیا را می خواست، اما او چیزی را خواست که هیچ کس به آن فکر نمی کرد.

فاطمه علیها السلام در این دعا این درس را به من می دهد که همت خود را بالا ببرم

ص: 86

1- الکافی ج 8 ص 155 وسائل الشیعه ج 3 ص 163، الجواهر السنیة ص 46، جامع أحادیث الشیعه ج 3 ص 395، تفسیر نور الثقلین ج 2 ص 474.

و از خدا حاجتی به این بزرگی بخواهم: «خدایا! در بهشت جایگاهی به من بده که همه به من حسرت ببرند و به مقام من، غبطه بخورند».

این حاجت در فکر من بزرگ است، ولی برای خدا هرگز این حاجت بزرگ نیست، آرزوی من هر چقدر بزرگ هم باشد، برای خدا بسیار کوچک است.

ص: 87

از تو می خواهم بر محمد که فرستاده توست و چراغ فروزان هدایت است و بر همه فرشتگان و پیامبران، درود بفرستی! از تو می خواهم بهترین درودها و سلام ها را بر محمد بفرستی که او فرستاده تو و امین بر وحی توست، از تو می خواهم تا درجه او را بالا و بالاتر ببری...

خدایا! من دین، جان و تمام نعمت هایی را که به من داده ای به خودت می سپارم، پس مرا در حفظ و حراست قرار ده! هر کس به تو پناه آورد، عزیز و سربلند شد، خدایی جز تو نیست، بر این باور هستم تو در سختی و آسایش، برایم کافی هستی!

خدایا! ما بر تو توکل نمودیم و به درگاه تو رو آورده ایم و می دانیم که در روز قیامت تو ما را زنده می کنی و همه برای حسابرسی به پیشگاه تو می آییم.

بارخدایا! ما را از دست کافران نجات بده! کاری کن که آنان نتوانند ما را شکنجه و اذیت و آزار کنند، گناهان ما را ببخش که تو توانا هستی و همه کارهای تو از روی حکمت است.

خدایا! عذاب جهنم را از ما دور کن، چرا که عذاب آن جاودان است، و به راستی که آنجا بد جایگاهی است.

خدایا! میان ما و مردمی که به ما ستم می کنند به حق داوری کن که تو بهترین داوران هستی! خدایا! ما به تو ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببخش، از بدی های ما چشم پوش و ما را در شمار نیکوکاران بمیران.

خدایا! پیامبران به ما وعده ثواب و پاداش داده اند، این وعده های آنان از طرف تو بود، اکنون از تو می خواهیم تا در روز قیامت، ما را به آن وعده ها برسانی و در آن روز، ما را خوار نگردانی، بی گمان تو در وعده خود، تخلف نمی کنی! خدایا! اگر فرمان تو را فراموش کردیم، یا اشتباهی کردیم، ما را ببخش، تکالیف سخت را بر دشمنان قرار نده، چیزی را بر ما واجب نکن که ما طاقت آن را نداشته باشیم! گناهان ما را ببخش و رحمتت را بر ما نازل کن و

ما را بر کافران پیروز بگردان.

خدایا به ما در دنیا و آخرت، نیکی و خوبی عطا فرما، و به رحمت خود ما را از عذاب آتش حفظ کن! از تو می خواهیم بر آقای ما، محمد صلی الله علیه و آله (که فرستاده توست) و خاندان او درود بفرستی که سلام بی پایان بر آنان باد!

ص: 90

دعای بعد از نماز صبح

اشاره

ص: 91

خدایا! روز تازه ای آغاز شده است، تو را شاهد می گیرم که خدایی جز تو نیست و هر چیزی غیر از تو عبادت شود، باطل است، من می دانم که وقتی تو را شاهد گرفته ام، دیگر مرا کفایت می کند، من همه فرشتگان، پیامبران، مؤنان و آفریده های تو را نیز بر این باور خود، شاهد می گیرم، تو برتر و بالاتر از آن هستی که کسی بتواند بزرگی تو را وصف کند، هیچ کس نمی تواند نهایت بزرگی تو را درک کند! ای خدایی که بالاتر از ستایش های ما هستی، ای خدایی که بزرگی تو بالاتر از سخن ماست، از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود بفرستی و با من آنگونه رفتار کنی که شایسته مقام توست که تو همواره گناهکاران را می بخشی!

خدایی جز تو نیست، تو از همه بدی ها به دور هستی، همه خوبی ها از آن توست، تو را ستایش می کنم، از گناهانم توبه می کنم و از تو می خواهم مرا ببخشی، در جهان هر چه تو بخواهی، همان واقع می شود، هیچ قدرتی جز قدرت تو نیست، تو جاودانه هستی، همیشه بوده ای و تا ابد خواهی بود، پادشاهی جهان در دست توست، تو خدایی هستی که زنده می کنی و می میرانی، تو هرگز نمی میری! کلید همه خیرها به دست توست و تو بر هر کاری توانا هستی! تو از همه بدی ها به دوری! همه خوبی ها از آن توست، خدایی جز تو نیست. تو بزرگ تر از آن هستی که به وصف درآیی! خدایا! گناه مرا ببخش که من به سوی تو، توبه می کنم، در جهان هر چه تو بخواهی، همان واقع می شود، هیچ قدرتی جز قدرت تو نیست.

تو حلم فراوان داری و بزرگواری! مهربان و بخشنده ای! فرمانروای جهانی! از هر عیبی و نقصی، پاک می باشی! تو حق آشکاری! من تو را به عدد همه آفریده هایت ستایش می کنم، تو را بی نهایت حمد می کنم....

شرح دعا

به این سخن فاطمه علیها السلام فکر می کنم:

«... اِنْ تَهْتَدَى الْقُلُوبُ لِكُلِّ عَظْمَةٍ».

«هیچ کس نمی تواند نهایت بزرگی خدا را درک کند».

این حقیقت مهمی است که من باید به آن توجه کنم، هیچ کس نمی تواند

به حقیقت خدا پی ببرد، برای همین است که خدا را در زبان عربی به نام «الله» می خوانند. «الله» از ریشه «أَلِهَ» است، وقتی یک نفر در بیابانی، راه را گم کند، متحیر و سرگردان شود و نداند چه کند، در زبان عربی می گویند: «أَلِهَ الرَّجُلُ»، یعنی آن مرد متحیر شد. یک نظر این است که نام خدا را از این ریشه گرفته اند.

وقتی می خواهیم در مورد حقیقت خدا فکر کنیم، چیزی جز تحیر نصیب من نمی شود، هیچ کس نمی تواند ذات خدا را درک کند، خدا را نمی توان با چشم ها دید و با خیال تصوّر کرد، او هیچ کدام از صفات مخلوقات را ندارد، او غیب است، برای همین هر کس که بخواهد ذات او را بشناسد، چیزی جز تحیر نصیب او نمی شود. (1) امام باقر علیه السلام به ما دستور داده است که از فکر کردن در مورد ذات خدا پرهیز کنیم، زیرا هیچ گاه عقل بشر به آنجا راه ندارد، آری! ما می توانیم در مورد آیات و نشانه های خدا هر چقدر می خواهیم سخن بگوییم، برای شناخت صفات خدا باید به قرآن مراجعه کنیم، ببینیم که خدا، خودش را برای ما چگونه معرفی کرده است.

حضرت فاطمه علیها السلام با این سخن خویش به ما می آموزد که همه از درک حقیقت خدا، متحیر و سرگشته اند، خدایی که از دیده ها پنهان است، خدایی که عقل بشری نمی تواند ذات او را درک کند.

ص: 95

1- . التوحید للصدوق ص 89، بحار الأنوار ج 3 ص 222، تفسیر مجمع البیان ج 10 ص 486، تفسیر نور الثقلین ج 5 ص 708.

خدایا! بر محمد و خاندان با برکت او درود بفرست، از تو می خواهم بر جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و فرشتگان مقرب درود بفرستی تا آنجا که از آنان خوشنود شوی، خدایا! وقتی از آنان خوشنود شدی باز به اندازه ای که تو شایستگی آن را داری بر آنان درود بفرست! خدایا! بر «عزرائیل» که فرشته مرگ است و یاران او درود بفرست! بر «رضوان» که فرشته بهشت است و همه یاران او، درود بفرست! بر «مالک» که مأمور جهنم است و یاران او درود بفرست، بر فرشتگانی که اعمال ما را ثبت می کنند، بر فرشتگانی که ما را از بلاها حفظ می کنند، بر همه فرشتگانی که در جهان مأموریت دارند، درود بفرست، درود تو آنگونه باشد که از آنان خوشنود شوی، سپس به اندازه ای که تو شایستگی آن را داری باز

هم بر آنان درود بفرست! خدایا! بر پدر و مادر ما، آدم و حوّا، درود بفرست، بر همه پیامبران، صدّیقان، شهیدان و نیکوکاران درود بفرست... .

از تو می خواهیم بر محمّد و اهل بیت پاک او، بر یاران برگزیده اش، بر همسران پاکش، بر ذرّیه او... درود بفرستی، درود تو آنگونه باشد که از آنان خشنود شوی، سپس به اندازه ای که تو شایستگی آن را داری باز هم بر آنان درود بفرست! خدایا! همانگونه که درود، برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او نثار کردی، پس بر محمّد و آل محمّد نیز درود، برکت و رحمت خود را نثار کن که تو بزرگوار هستی! از تو می خواهیم بالاترین مقام در بهشت را به محمّد عطا کنی، آن قدر مقام او را بالا ببری که او خشنود گردد و بعد از خشنودی او، باز هم مقام او را آن طور که تو شایستگی آن را داری بالاتر ببری! خدایا! بر محمّد و خاندان او درود بفرست همان طور که از ما خواسته ای بر او درود بفرستیم. از تو می خواهیم بی نهایت بر محمّد و خاندان او درود بفرستی... به عدد همه مخلوقاتی که تاکنون خلق کرده ای، به عدد همه مخلوقاتی که تا روز قیامت خلق خواهی کرد، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست... .

خدایا! همه خوبی ها از آن توست، تو بر بندگان منّت می نهی، بر آنان نعمت فراوان می دهی، شکوه و بزرگی از توست، پادشاهی جهان از آن

توست، تو قدرت و عظمت داری، بزرگواری و مهربانی و پاکی و بخشش...

همه از توست، خدایی جز تو نیست، تو بزرگ تر از آن هستی که به وصف درآیی، ستایش مخصوص توست... .

من تو را ستایش می کنم، کاش من از لحظه اول خلقت جهان بودم و از آن روز تا روز قیامت تو را ستایش می کردم، از تو می خواهم ستایش مرا این گونه قرار بدهی: «ستایشی که از اول خلقت آغاز می شد و تا روز قیامت ادامه پیدا می کرد».

من به عدد قطره های آب اقیانوس ها، به عدد برگ درختان، به عدد ستارگان، به عدد قطره های باران، به عدد همه ذرات جهان... تو را ستایش می کنم، من بی نهایت تو را حمد می کنم و به یگانگی تو اعتراف می کنم و فریاد برمی آورم: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر».

تو خدایی نیستی که ما تو را ساخته باشیم! تو همیشه بوده ای و خواهی بود، هیچ شریکی نداری و به کمک هیچ کس نیاز نداری، تو از همه بی نیازی! از آن چه به ذهن ما می گذرد، بالاتری، تو آن گونه هستی که خودت در قرآن بیان کرده ای، عقل ما نمی تواند حقیقت تو را درک کند.

شرح دعا

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

«خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست».

فاطمه علیها السلام در این دعا، چهارده بار این جمله را تکرار می کند و از خدا

ص: 98

می خواهد که بی نهایت درود خودش را بر پیامبر و خاندان او نازل کند.

فاطمه علیهاالسلام به من یاد می دهد که در دعاهاى خود، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستم، هیچ ذکر و دعایی همانند صلوات نیست، وقتی می گوئیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، در واقع از خدا می خواهیم که بر پیامبر و خاندان او درود بفرستد، از خدا می خواهیم دین پیامبر را در جهان گسترش بدهد.

وقتی من صلوات می فرستم از خدا درخواست می کنم که عظمت و شکوه پیامبر و خاندانش بیشتر شود و بر جلال دین اسلام افزوده گردد. این بهترین درخواست است.

وقتی من برای پیامبر و خاندان او، طلب رحمت می کنم و بر آنان صلوات می فرستم، در حقیقت برای خودم هم طلب رحمت کرده ام، زیرا خدا آنان را واسطه خیر و رحمت قرار داده است. آنان معدن رحمت خدا هستند، اساس و اصل مهربانی خدا هستند.

در هر کجای دنیا که من مهربانی و عطوفت می بینم باید بدانم که آنان واسطه جاری شدن آن مهربانی هستند. وقتی خدا می خواهد بر بندگان خود مهربانی کند، خیر و برکتی را بر بندگان عطا نماید، آن رحمت را ابتدا بر پیامبر و خاندان پاکش نازل می کند، زیرا خدا آنان را واسطه میان خود و بندگان قرار داده است.

هیچ کس نمی تواند رحمت خدا را به طور مستقیم دریافت کند مگر این که لیاقت و شایستگی خاصی داشته باشد و خدا این شایستگی را فقط و فقط

به پیامبر و خاندان او داده است، برای همین است که فرشتگان هم بر پیامبر صلوات می فرستند.

*** در یک زمان، بیش از یک نفر نمی تواند حجت خدا باشد، هنگامی که فاطمه این دعا را می خواند پیامبر، حجت خدا بود، فاطمه علیهاالسلام وقتی می خواهد با خدا سخن بگوید به یاد پیامبر است و از آن راه، رحمت خدا را به سوی خود جذب می کند.

لحظه ای فکر می کنم، اگر فاطمه علیهاالسلام امروز در میان ما بود، در این دعا، از حضرت مهدی علیه السلام سخن می گفت، چون در روزگار ما مهدی علیه السلام، حجت خدا است.

کسی که دست به دعا برمی دارد اما از حجت خدا غافل شده است، خدا دعای او را نمی پذیرد و در حق او مهربانی نمی کند. من باید به این نکته توجه کنم، نباید راه را گم کنم.

شخصی به کوهستان پناه برده بود، در آنجا خلوت کرده بود، روزها روزه می گرفت و شب ها هم دعا می خواند. او هزاران بار خدا را صدا زد تا شاید صدایش را بشنود و حاجتش را روا کند.

چهل روز گذشت، او فکر می کرد که حالا دیگر خدا حاجت او را می دهد.

غروب آن روز هم فرا رسید و او به خواسته خود نرسید! او دیگر طاقت نیاورد، به سوی شهر بازگشت. وقتی دوستانش او را دیدند از علت ناراحتی او سؤال کردند. او ماجرا را گفت، آن ها به او گفتند: خوب

است نزد عیسی علیه السلام بروی و از او علت این ماجرا را سؤال کنی.

او نزد عیسی علیه السلام آمد و جریان خود را تعریف کرد، عیسی علیه السلام تعجب کرد که چرا خدا حاجت این بنده خود را نداده است؟ او می خواست راز این کار را بداند.

اینجا بود که خدا به عیسی علیه السلام چنین گفت:

-- ای عیسی! اگر او تا آخر عمر هم دعا می کرد من دعای او را مستجاب نمی کردم! -- برای چه؟ مگر او چه کرده است؟ -- اگر او می خواست من صدایش را بشنوم باید از دری می آمد که من آن را معرفی کرده ام. من تو را پیامبر و نماینده خود روی زمین قرار داده ام، او به تو اعتقادی ندارد، چگونه می شود که من دعای او را مستجاب کنم در حالی که می دانم در قلب خود، به پیامبری تو هیچ اعتقادی ندارد؟ (1) آری! این یک قانون خداست، اگر می خواهم خدا صدایم را بشنوی، باید به حجت خدا اعتقاد داشته باشم. کسی که امام زمان خود را نشناسد، بیگانه درگاه خداست، هر چقدر خدا را صدا بزنی، جوابش را نمی دهد، او باید «بَابُ اللَّهِ» را پیدا کند، باید از دروازه رحمت خدا وارد شود.

ص: 101

1- . الکافی ج 2 ص 400، مستدرک الوسائل ج 1 ص 166.

از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود بفرستی و بهترین ها را به محمد که فرستاده توست عطا کنی.

خدایا! خاندان پیامبر را در پناه تو قرار می دهم، خودم، مالم، فرزندانم، خویشانم، همسایگانم را در پناه تو قرار می دهم، کسانی که در حق من دعا کرده اند و به من نیکی کرده اند را در پناه تو قرار می دهم.

همگی این ها را در پناه تو و در پناه نام های پاک و مبارک تو قرار می دهم، آنان را در پناه قرآن و سوره حمد و همه سوره های آن قرار می دهم، آنان را در پناه تورات، انجیل، زبور، کتاب ابراهیم و موسی و به هر کتابی که بر پیامبران نازل کردی، قرار می دهم... .

خدایا! من به تو پناه می برم از بدی هر انسان بدخواه به تو پناه می برم از هر چیزی که از آن می ترسم، از شرّ جنّ ها و انسان هایی که به تو ایمان ندارند، از دست شیطان و پادشاهان ستمگر و پیروان آنان به تو پناه می برم.

به تو پناه می برم از شرّ غم و اندوه و پشیمانی و بلا! از شرّ هر چه که می خواهد به من بدی برساند، از دست جادوگران و حسودان و بدخواهان به تو پناه می برم... .

از شرّ هر جنبنده ای که تو زمام او را در دست داری، به تو پناه می برم که تو پناه من هستی و مرا کفایت می کنی و خدایی جز تو نیست و من بر تو توکل می کنم که تو صاحب قدرت برتر هستی و همه جهان در قدرت توست.

خدایا! به تو پناه می برم از غم و اندوه و ناتوانی و کسالت و ترس و بخل! به تو پناه می برم از این که دینم را از دست بدهم و دیگران بر من غلبه کنند.

به تو پناه می برم از عملی که سود نمی رساند و از چشمی که نمی گیرد و از قلبی که فروتنی نمی کند و از دعایی که تو آن را اجابت نمی کنی! به تو پناه می برم از دوستانی که مرا از خطا باز نمی دارند و از جمعی که به سوی گناه می رود و از محبتی که نتیجه ای جز خسران ندارد، پس مرا حفظ کن! خدایا! من از هر چه (که محمّد و فرشتگان و پیامبران و امامان پاک و شهیدان و نیکوکاران و پرهیزکاران از آن به تو پناه برده اند) به تو پناه می برم!

از تو می خواهم بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی و هر خیری را که آنان از تو خواسته اند به من هم از آن خیر عطا کنی و از هر شرّی که آنان از آن به تو پناه برده اند، مرا هم از آن شر، پناه بدهی! خدایا! من از تو همه خیرها را می خواهم، (چه آن خیر برای الان باشد و چه برای آینده) (چه به آن خیر، علم داشته باشم یا به آن خیر علم نداشته باشم)، من همه آن خیرها را از تو می خواهم.

خدایا! از وسوسه های شیطان به تو پناه می آورم، خدایا! از این که شیطان به من نزدیک شود به تو پناه می برم.

من نام تو را بر زبان جاری می کنم و «بسم الله» می گویم که همه بدی ها با نام تو دور می شود. (بسم الله به اسم اعظم تو بسیار نزدیک است)، من به نام تو این گونه پناه می برم:

بسم الله بر خاندان پیامبرم! بسم الله بر خودم! بسم الله بر دینم! بسم الله بر خاندان و مال و ثروتم! بسم الله بر هر آنچه خدا به من عطا کرده است! بسم الله بر دوستان و فرزندان و خویشانم! بسم الله بر همسایگان و دوستانم! بسم الله بر هر کس در حق من دعا کرده است! بسم الله بر هر کس که به من نیکویی کرده است!

بِسْمِ اللّٰهِ بِرِزْقٍ وَرَوْزِي مَنْ! به نام تو که به برکت اسم تو هیچ چیز نمی تواند ضرر بزند و شری برساند که تو شنوا و بینا هستی! ***

شرح دعا

در این دعا چنین می خوانم:

«أُعِيذُ أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَنَفْسِي...».

«خاندان پیامبر و خودم و ... را در پناه تو قرار می دهم».

فاطمه علیها السلام به من یاد می دهد که قبل هر چیز برای سلامتی اهل بیت علیهم السلام دعا کنم، امروز من باید قبل از هر چیز برای حضرت مهدی علیه السلام دعا کنم و از خدا بخواهم تا شر دشمنان را از او دور گرداند، این درسی است که من از فاطمه علیها السلام فرا گرفتم.

*** دعای فاطمه علیها السلام این گونه ادامه پیدا می کند:

«بِسْمِ اللّٰهِ عَلَىٰ أَهْلِي وَ مَالِي بِسْمِ اللّٰهِ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي...».

«بسم الله بر خودم! بسم الله بر دینم! بسم الله بر خاندان و مال و ثروتم! بسم الله بر هر آنچه خدا به من عطا کرده است...».

از فاطمه علیها السلام یاد گرفتم که در برابر بدی ها ناامید نشوم و بدانم در مقابل وسوسه های شیطان و بدخواهی دشمنان، راه نجات دارم، راه نجات من این

ص: 105

است که به خدا پناه ببرم.

«بسم الله» آن قدر عظمت دارد که می تواند بدی ها را از من دور گرداند، چقدر اسم اعظم خدا به «بسم الله» نزدیک است.

هر کس به خدا پناه ببرد، خدا او را پناه می دهد، مؤمن هرگز تنها نیست، مؤن خدا را دارد و هنگام ترس ها و وحشت ها به لطف او پناه می آورد، کسی که به خدا پناه ببرد، ناامید نمی شود.

ص: 106

بار خدایا بر محمد و خاندان پاک او درود بفرست! خدایا! فرج آل محمد را نزدیک کن (ظهور مهدی علیه السلام را نزدیک کن)! خدایا! گره از کار من و کار همه مؤنان بگشا! خدایا! بر محمد و خاندان پاک او درود بفرست و توفیقم بده تا بتوانم آنان را یاری کنم و روزگار دولت و حکومت آنان را درک کنم. خدایا! در دنیا و آخرت مرا با آنان قرار بده و مرا از آنان جدا مکن! خدایا! خودت آنان را از بلاها حفظ نما تا به آنان خیر و خوبی برسد، خدایا! من و همه شیعیان و محبتان و دوستان و همه مؤنان را از بلاها حفظ نما که تو بر هر کاری توانایی!

به نام تو! تو همه ما را آفریدی، سرانجام برای حسابرسی به نزد تو می آییم، فقط تو پیروز هستی و همه ناتوانند، هر چه تو بخواهی، همان می شود، هیچ قدرتی جز قدرت تو نیست، تو برای من کفایت می کنی.

به تو توکل می کنم، همه امورم را به تو می سپارم، به تو پناه می برم، تو تکیه گاه من هستی! چون خدایی همچون تو دارم پس به دیگران فخر می فروشم و افتخار می کنم و احساس عزت می کنم! خدایی جز تو نیست، تو همواره زنده و پاینده هستی! جهان در دست باکفایت توست. تو را به عدد ریگ های بیابان و ستارگان و فرشتگان به یگانگی یاد می کنم. خدایی جز تو نیست، تو یگانه ای و هیچ شریکی نداری، تو بلندمرتبه ای، عظمت تو به درک ما نمی آید.

خدایی جز تو نیست، تو از هر عیبی و نقصی به دور هستی، این من هستم که به خودم ستم کرده ام! هر قدرتی که می بینم از تو قدرت گرفته است، تو خدای بلند مرتبه هستی! تو برای یاری من، کفایت می کنی و من بر تو توکل می کنم، از تو می خواهم تا بر محمد و خاندان پاک او درود بفرستی! ***

شرح دعا

در این دعا فاطمه علیهاالسلام از خدا چنین می خواهد:

ص: 108

«وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ».

«خدا فرج آل محمد را نزدیک کن! ظهور مهدی علیه السلام را نزدیک کن».

این ندای فاطمه علیها السلام است که در تاریخ پیچیده است، او از همه ما می خواهد تا مهدی علیه السلام را از یاد نبریم و او را فراموش نکنیم که او حجت خدا بر ماست. چه دردی از این بالاتر که شیعیان، امام خود را از یاد ببرند و عهد و پیمانی را که با او داشته اند فراموش کنند.

غیبت امام زمان، یک علت بیشتر ندارد و آن غفلت شیعیان است، غفلتی که برای خیلی ها عادی شده است، خیلی ها هفته ها می گذرد و از امام خود یادی نمی کنند، آنان به غیبت امام، عادت کرده اند و به فکر غم ها و غصه های او نیستند و به سرابی دلخوش شده اند.

خدا مزد رسالت پیامبر را محبت به اهل بیت علیهم السلام قرار داده است، کسی که برای ظهور تو دعا می کند به این دستور خدا عمل کرده است.

امام زمان برای شیعیانش این پیام را داده اند: «ای شیعیان! برای ظهور من زیاد دعا کنید که گشایش شما در ظهور من است».

منتظران واقعی هرگز از چشم انتظاری خسته نمی شوند و دست از دعا برای ظهور امام زمان بر نمی دارند، آنان می دانند که گشایش در همه امور، فقط به ظهور او وابسته است.

دعا برای آمدن او، بهترین عبادت است و هیچ چیز مانند آن، خدا را خوشحال نمی کند. همه شیعیان باید بدانند که خدا هیچ کاری را به اندازه

دعا برای ظهور امام زمان دوست ندارد، این کار باعث شادی دل پیامبر و حضرت فاطمه علیهاالسلام و امامان معصوم می شود.

این سخن امام کاظم علیه السلام است: «مهدی از دیده ها پنهان می شود ولی یادش از دل های مؤنان هرگز فراموش نمی شود» (1) آری، شیعه واقعی در هر زمان و مکان به وظایفی که بر عهده دارد، عمل می کند و همراه آن وظایف تلاش می کند با دعا برای ظهور، یاد امام زمان را زنده نگاه دارد، دعا برای ظهور، دعا برای همه زیبایی هاست.

*** این دعا را حضرت فاطمه علیهاالسلام بعد از نماز صبح می خواند و آن را به فرزندان خود یاد داد، سال ها گذشت تا این که زمان امام سجاد علیه السلام رسید، در آن زمان بود که این دعا به «دعای حریق» مشهور شد، یعنی دعایی که آتش سوزی را رفع می کند.

روزی از روزها امام سجاد علیه السلام از خانه خود خارج شده بود، به او خبر دادند که خانه امام در آتش سوخته است، امام در پاسخ گفت: «خانه من در آتش نمی سوزد»، بعداً معلوم شد که همه خانه هایی که در آن محله بوده است، دچار آتش سوزی شده است ولی آتش به خانه امام سرایت نکرده است.

اینجا بود که امام باقر علیه السلام علت را از پدرش جویا شد، امام سجاد علیه السلام در پاسخ چنین گفت: «پسر عزیزم! من دعایی را در اختیار دارم که برای من از دنیا و آنچه در دنیاست، بهتر است، این دعا از رازهای خداست و جبرئیل آن را

ص: 110

برای پیامبر آورده است. پیامبر آن را به علی و فاطمه علیهما السلام یاد داد، این دعا به من رسیده است. هر کس صبح این دعا را بخواند، خدا هزار فرشته را مأمور می کند تا او و خاندانش و فرزندانش و مالش را از آتش سوزی، غرق، زیر آوار ماندن و دیگر بلاها حفظ کنند و خدا شرّ شیطان و حاکم ستمگر را از او دور می کند و او را از شرّ هر انسان بدخواه نجات می دهد و او در امن و امان خدا خواهد بود. اگر کسی با ایمان و با اخلاص این دعا را بخواند، خدا ثواب صد صدیق را به او می دهد و اگر آن روز بمیرد به برکت این دعا، اهل بهشت خواهد بود. این دعا را به خاطر بسیار و آن را فقط به کسانی که به آنان اطمینان داری، یاد بده که هر کس خدا را به این دعا بخواند خدا حاجت او را می دهد».

این گونه بود که این دعا (که حضرت فاطمه علیها السلام بعد از نماز صبح می خواند) به «دعای حریق» شناخته شد، دعایی که به اذن خدا، آتش سوزی و همه بلاها را رفع می کند.

ص: 111

دعاهای حضرت فاطمه علیهاالسلام را که بعد از نمازهای روزانه می خوانند، ذکر کردم، در پایان کتاب، دعای مهمی را (که خواندن آن برای روا شدن حاجت ها، تأثیر زیادی دارد) می نویسم.

امام حسن علیه السلام این ماجرا را نقل کرده است: مادرم فاطمه علیهاالسلام برایم چنین گفت: روزی از روزها، پیامبر به دیدار من آمد و به من گفت: «ای فاطمه! آیا می خواهی دعایی به تو یاد بدهم؟ هر کس، خدا را با این دعا بخواند، دعایش به اجابت می رسد و دیگر زهری که دشمن به او می دهد در او اثر نمی کند، جادوی بدخواهان در او اثر نمی کند، شیطان نمی تواند به او آسیبی برساند، و حاجت های او برآورده می شود».

فاطمه علیهاالسلام در پاسخ گفت: «بله. ای پدر بزرگوام! به خدا دوست دارم این دعا را از تو بیاموزم، بدان که این دعایی را که تو می گویی از دنیا و آنچه در

دنیاست، بیشتر دوست می دارم».

اینجا بود که پیامبر این دعا را به فاطمه علیهاالسلام یاد دادند، در پایان دعا، پیامبر به دخترش چنین گفتند: «وقتی تو این دعا را خواندی و حاجت خود را طلب کردی و خدا را صدا زدی، خدا در پاسخ به تو چنین می گوید: ای فاطمه! بله! بله!».

اکنون ترجمه این دعا را ذکر می کنم و در قسمت پایانی کتاب، متن عربی آن را به عنوان «دعای حاجت» می آورم.

*** یا الله! ای خدایی که نام تو گرامی ترین نامی است که به زبان جاری می شود، نام تو در عزّت و فرمانروایی، قدیمی ترین نام است.

یا الله! ای کسی که هر کس از تو طلب مهربانی کند تو به او مهربانی می کنی، ای پناه کسانی که به تو پناه می آورند، هر کس غم و غصّه به دل داشته باشد و دردش را به تو بگوید تو به او رحم می کنی.

من از درگاه تو گدایی می کنم و می دانم که درگاه تو، بهترین جا برای گدایی کردن است و تو خیلی زود به گدای خویش، پاسخ می دهی! ای کسی که فرشتگان که از جنس نور هستند از عظمت تو در هراسند! تو را می خوانم به حق آن اسم های تو که فرشتگان تو را به آن می خوانند، آن فرشتگانی که نظام هستی را به اذن تو اداره می کنند و از هراس عذاب، ذکر تو را بر زبان دارند و تو را تسبیح می کنند.

ص: 114

تورا به آن نام هایت می خوانم که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تورا به آن می خوانند، از تو می خواهم دعایم را اجابت کنی و گره از کارم بگشایی و گناهانم را ببوشانی! تو در روز قیامت فرمان می دهی تا اسرافیل در «صور» بدمد و همه مردگان به قدرت تو زنده می شوند و همه برای حسابرسی حاضر می شوند.

به حق آن نامی که با آن، استخوان های پوسیده را زنده می کنی، از تو می خواهم که قلبم را زنده کنی، سینه ام را گشاده گردانی تا بر طاقتم افزوده شود، از تو می خواهم امور زندگی مرا اصلاح کنی! ای کسی که جاودانگی را فقط برای خودت قرار دادی و مرگ و زندگی و فنا را برای آفریده های خود قرار دادی و همه سرانجام نابود می شوند و فقط تو می مانی! ای کسی که هر کاری بخواهی انجام بدهی، فقط دستور آن را می دهی، دستور تو بر همه چیز جاری می شود، انجام هر کاری برای تو آسان است و کافی است فقط اراده کنی.

وقتی ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند، او تورا به نامی از نام هایت صدا زد و تو او را از آتش نجات دادی، من اکنون تورا به همان نام می خوانم.

وقتی موسی علیه السلام در کوه طور گرفتار سرما شد و راه را گم کرد، تورا به نامی از نام هایت صدا زد و او را نجات دادی، من تورا به همان نام می خوانم.

وقتی ایوب به بلاهای فراوان گرفتار شد، تورا به نامی از نام هایت خواند و تو بلاها را از او دور کردی، من تورا به همان نام می خوانم.

خدایا! توبه داوود علیه السلام را پذیرفتی چون او تورا به آن نام صدا زد.

خدایا! باد را در اختیار سلیمان قرار دادی، جنّ ها را تسلیم فرمان او کردی، زبان پرندگان را به او یاد دادی، زیرا سلیمان علیه السلام تو را به آن نام خواند.

وقتی ایوب به بلاهای فراوان گرفتار شد، تو را به نامی از نام های خوند و تو بلاها را از او دور کردی، من تو را به همان نام می خوانم.

یحیی علیه السلام فرزندی نداشت، به سن پیری رسیده بود، او تو را به آن نام خواند و تو به او فرزندی چون زکریا دادی.

تو عیسی علیه السلام را بدون آن که پدر داشته باشد از «روح القدس» با آن نام خودت خلق کردی.

خدایا! تو را به آن نام می خوانم که عرش و کرسی را با آن نام آفریدی، تو را به آن نام می خوانم که فرشتگانی را که در بالاترین جایگاه عرش تو هستند، آفریدی، تو را به آن نام می خوانم که جنّ ها و انسان ها را با آن نام خلق کردی! تو را با آن نام می خوانم که آفریده ها را با آن نام، خلق کردی، تو هر چه که اراده کنی با آن اسم خلق می کنی، با آن نام، بر هر کاری توانایی داری! خدایا! تو را به حق این اسم های بزرگ می خوانم که حاجتم را برآوری، و خواسته هایم را اجابت فرمایی که تو بزرگواری! *** ارتباط با نویسنده و ارسال نظر: پیامک به شماره

3000 4 5 6 9 همراه نویسنده 0913 261 94 33 سایت نویسنده: www.Nabnak.ir

متن عربی ادعیه

اشاره

ص: 117

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَالطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَاهِدَةً لِشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ وَلَا مُتَحَيِّرَةً فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنَجَاهَ الْمُجَاهِدِينَ وَتَوَابَهُمْ وَتَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْآمَنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ وَخَيْرَ مَطْلَعٍ يَطْلُعُ عَلَيَّ وَارزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ نُزُولِهِ وَفِي غَمْرَاتِهِ وَحِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِي وَحِينَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ وَفِي حَالِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَتِلْكَ السَّاعَةَ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا ضَرْأً وَلَا نَفْعاً وَلَا شِدَّةً وَلَا رَخَاءً رَوْحاً مِنْ رَحْمَتِكَ وَحِطّاً مِنْ رِضْوَانِكَ وَبُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّى نَفْسِي وَتَقْبِضَ رُوحِي وَتُسَلِّطَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيَّ

إِخْرَاجِ نَفْسِي بِبُشْرَى مِنْكَ يَا رَبِّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تُثَلِّجُ بِهَا صَدْرِي وَتَسْرُبُ بِهَا نَفْسِي وَتُقَرِّبُ بِهَا عَيْنِي وَيَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي وَيَسْفُرُ بِهَا لَوْنِي وَيَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِي وَيَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِي يَغِطُنِي بِهَا مَنْ حَصَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ وَمَنْ سَمِعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ تَهَوَّنُ عَلَيَّ بِهَا سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَفْرُجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ وَتُخَفِّفُ عَنِّي بِهَا شِدَّتَهُ وَتَكْشِفُ عَنِّي بِهَا سَقَمَهُ وَتَذْهَبُ عَنِّي بِهَا هَمُّهُ وَحَسْرَتُهُ وَتَعْصِدُ مِنِّي بِهَا مِنْ أَسَدِ فِيهِ وَفِتْنَتِهِ وَتَجِيرُنِي بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا يَحْضُرُ أَهْلُهُ وَتَرْزُقُنِي بِهَا خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ وَخَيْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ.

ثُمَّ إِذَا تَوَفَّيْتَ نَفْسِي وَقَبَضْتَ رُوحِي فَاجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ وَاجْعَلْ نَفْسِي فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ وَاجْعَلْ جَسَدِي فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ وَاجْعَلْ عَمَلِي فِي الْأَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَةِ ثُمَّ ارْزُقْنِي فِي خَطِيئِي مِنَ الْأَرْضِ حِصَّتِي وَمَوْضِعَ جَنَّتِي حَيْثُ يُرْفَتُ لَحْمِي وَيُدْفَنُ عَظْمِي وَاتْرُكْ وَحِيدًا لَا حِيلَةَ لِي قَدْ لَفَظْتَنِي الْبِلَادُ وَتَخَلَّى مِنِّي الْعِبَادُ وَافْتَقَرْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَاحْتَجْتُ إِلَى صَالِحِ عَمَلِي وَالْقَى مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِي وَفَدَّمْتُ لِأَخْرَجَتِي وَعَمِلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي فَوْزًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَضِيَاءً مِنْ نُورِكَ وَتَثْبِيثًا مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّكَ تُضِلُّ الظَّالِمِينَ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ.

ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبُعْثِ وَالْحِسَابِ إِذَا انشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّي وَتَخَلَّى الْعِبَادُ مِنِّي وَعَشِيَّتِنِي الصَّبِيحَةَ وَأَفْرَعَتِنِي النَّفْحَةَ وَنَشَرْتِنِي بَعْدَ الْمَوْتِ وَبَعَثْتِنِي لِلْحِسَابِ فَابْعَثْ مَعِيَ يَا رَبِّ نُورًا مِنْ رَحْمَتِكَ يَسْعَى بَيْنَ يَدَيَّ وَعَنْ يَمِينِي تُؤْمِنُنِي بِهِ وَتَرْبُطُ بِهِ عَلَيَّ قَلْبِي وَتُظْهِرُ بِهِ عُذْرِي وَتُبَيِّضُ بِهِ وَجْهِي وَتُصَدِّقُ بِهَا حَدِيثِي وَتُقَلِّجُ بِهِ حُجَّتِي وَتُبَلِّغُنِي بِهَا الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى مِنْ رَحْمَتِكَ وَتُحِلِّلُنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا

مِنْ جَنَّتِكَ وَ تَرَزُّفُنِي بِهِ مُرَافَقَهُ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً وَ أَبْلَغَهَا فَضِيْلَهُ وَ أَبْرَهَهَا عَطِيَّةً وَ أَوْفَقَهَا نَفْسَهُ مَعَ الَّذِينَ
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيْقًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى أَيْمَةِ
الْهُدَى أَجْمَعِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ
وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ
شَفَا حُفْرَةِ مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ بِيَضِّ وَجْهِهِ وَ أَعْلَى كَعْبِهِ وَ أَفْلَحِ حُجَّتِهِ وَ أْتَمِّمْ نُورَهُ وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ افْسَحْ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَ بَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ
وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَ اجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَ وَسِيْلَةً وَ اقْضُصْ بِنَا آثَرَهُ وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَ أوردْنَا حَوْضَهُ
وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ اسْلُكْ بِنَا سُبُلَهُ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا شَاكِينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ.

يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِذَاعِيهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَبِيحِ وَ مُدَاوِي الْقَلْبِ الْجَرِيحِ لَا تَقْضِ حُنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ الْأَثَامِ وَ
لَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي مِنْ بَيْنِ الْأَنْامِ يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ هَبْ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ وَ اعْفُ عَن فَاضِحَاتِ
السَّرَائِرِ وَ اغْسِلْ قَلْبِي مِنْ

وَزِرِ الْخَطَايَا وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِسْتِعْدَادِ لِزُجُورِ الْمَنَائِيَا يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ مُنْتَهَى السَّائِلِينَ.

أَنْتَ مَوْلَايَ فَفَتَحْتَ لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ فَلَا تُغْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَالْإِجَابَةِ وَنَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَبَوِّئِي عُرْفَاتِ الْجَنَانِ وَاجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكاً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَاحِينِي بِالسَّلَامَةِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ وَالْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ لَا تُشِمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَانًا عَنِيدًا وَلَا شَيْطَانًا مَرِيدًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا. (1)

ص: 122

1- . و من المهمات عقيب الخمس الصلوات ما كانت الزهراء فاطمه سيده نساء العالمين ع تدعوه به فمن ذلك دُعَاؤُهَا عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظُّهْرِ: فلاح السائل ص 173، بحار الانوار ج 83 ص 66.

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خَوَاطِرَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لِأَنْعَمِهِ وَلَا جَاحِدًا لِفَضْلِهِ فَالْخَيْرُ فِيهِ وَهُوَ أَهْلُهُ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِمَّنْ أَطَاعَهُ وَ مِمَّنْ عَصَاهُ فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ وَإِنْ عَاقَبَ فِيمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ «وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ».

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، الْعَلِيِّ الْمَكَانِ، وَالرَّفِيعِ الْبُنْيَانِ، الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ، الْعَزِيزِ السُّلْطَانَ، الْعَظِيمِ الشَّانِ، الْوَاضِحِ الْبُرْهَانَ، الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي احْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَتِهِ الرَّبُّوبِيَّةِ وَقَدْرَهُ الْوَحْدَانِيَّةِ فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يُعَيَّنْهُ مِقْدَارٌ وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ اعْتِبَارٌ لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ.

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَطَّلِعُ عَلَى أَمْرِي وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ لَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي وَ قَدْ سَأَلْتُكَ فِي طَلِبَتِي وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسَالَتِي وَ سَأَلْتُكَ لِفَقْرِي وَ حَاجَتِي وَ ذَلَّتُّهُ وَ ضَيَّقْتُهُ وَ

بُؤْسٍ وَ مَسَّةٍ كَنِيهِ وَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي وَ لَا أَحَدٌ مَن يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَن عَذَابِي وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ غِنَاكَ عَنِّي وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ قَلْبِهِ امْتِنَاعِي مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا دُعَاءً وَافِقاً مِنْكَ إِجَابَةً وَ مَجْلِسِي هَذَا مَجْلِساً وَافِقاً مِنْكَ رَحْمَةً وَ طَلِبَتِي هَذِهِ طَلِبَةٌ وَافِقَةٌ نَجَاحاً وَ مَا خِفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسِّرْهُ وَ مَا خِفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ فَاعْلِبْهُ آمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ هَوْنٌ عَلَيَّ مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ وَ اكْتِشَفَ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ وَ يَسَّرَ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ انزِعِ الْعُجْبَ وَ الرِّيَاءَ وَ الْكِبَرَ وَ الْبَغْيَ وَ الْحَسَدَ وَ الضُّعْفَ وَ الشُّكَّ وَ الْوَهْنَ وَ الضَّرَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمَكْرَ وَ الْخَدِيعَةَ وَ الْبَلِيَّةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَ خُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ ذَنْبِي وَ اسْتُرْ عَوْزَتِي وَ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اجْبُرْ مُصِيبَتِي وَ اغْنِ فَقْرِي وَ يَسِّرْ حَاجَتِي وَ اقْلُبْ عَثْرَتِي وَ اجْمَعْ شَأْمِي وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا غَابَ عَنِّي وَ مَا حَصْرَنِي وَ مَا اتَّخَوْفُهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ أَلْبَجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَ أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فِرْقاً مِنْكَ وَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ لَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ عِيسَى رُوحِكَ وَ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَ نَبِيِّكَ الْأَلَّا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ تَرَحَّمْ عَثْرَتِي وَ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَارِي عَلَيَّ مِنْ ظَلَمَنِي وَ انصُرْنِي عَلَيَّ مِنْ عَادَائِي اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ

مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هِمَّتِي وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي، إِلَهِي أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عَصَمَهُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي، اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي وَاسْأَلُكَ حَشِيئَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَالْعَدْلَ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا وَاسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى وَاسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَبِيدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا يَنْقَطِعُ وَاسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ وَاسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَهِدُّكَ لِإِشْرَاقِ أَمْرِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَصَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ وَخُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَأُشْهِدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّدْ لِي شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا كَائِنُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ وَالْمُكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْكَائِنُ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصَرِي وَإِلَى جُودِكَ بَسَّطْتُ كَفِّي فَلَا تُحَرِّمْنِي وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَلَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ فَاعْفِرْ لِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَلَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ صَلِّ عَلَى أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيَّكَ وَاحْبِبْهُمْ إِلَيْكَ وَأَوْجِبْهُمْ لَدَيْكَ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ أَشْرَفَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَعْظَمَ وَأَكْرَمَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبَلِّغِ عَنكَ مُؤْتَمَنِ

عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ كَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى وَفَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى فَاجْعَلْ مَنَاهِجَ سُبُلِهِ لَنَا سُنَنًا وَحُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبَبًا نَأْتَمُّ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمِثْلَ طِبَاقِهِنَّ وَمِثْلَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا مِثْلَ بَيْنَهُمَا وَمِثْلَ عَرْشِ رَبِّنَا الْكَرِيمِ وَمِثْلَ مِيزَانِ رَبِّنَا الْغَفَّارِ وَمِثْلَ كَلِمَاتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ وَمِثْلَ الْجَنَّةِ وَمِثْلَ النَّارِ وَعَدَدَ الْمَاءِ وَالْثَرَى وَعَدَدَ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى.

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ صَ لَمَوَانِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَنِّكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَفَضْلِكَ وَسَ لَامَتِكَ وَذِكْرَكَ وَنُورَكَ وَشَرَفَكَ وَنِعْمَتَكَ وَخَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقْتَهُ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ الْعَظِيمَى وَكَرِيمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقُوبَى حَتَّى تُشَرِّفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهَ الْهُدَى.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ سَ لَامٌ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَسَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ وَسَلَامٌ عَلَى آدَمَ وَعَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ وَسَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّينَ أَجْمَعِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهِدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَا حَوْلَ وَقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَحَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمْ كَثِيرًا. (1)

ص: 126

1- . وَمِنَ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ عَقِيبَ الْعَصْرِ رِبَمَا كَانَتْ الزُّهْرَاءُ فَاطْمَأَنَّ سَيْدُهُ النَّسَاءُ صَ لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا تَدْعُو بِهِ فِي جُمْلَةِ دُعَائِهَا لِلْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ: فَلَاحِ السَّائِلِ ص 202، بحار الانوار ج 83 ص 85.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُودِي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطَّوْلِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعَالِمُونَ عِلْمَهُ وَلَا يَسْتَخِفُّ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ وَلَا يَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مِدْحَتَهُ وَلَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ وَلَا يُحْسِنُ الْخَلْقُ نِعَتَهُ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْجَلَالِ وَالْبَهَاءِ وَالْمَهَابَةِ وَالْجَمَالِ وَالْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْمِنَّةِ وَالْغَلْبَةِ وَالْفَضْلِ وَالطَّوْلِ وَالْعَدْلِ وَالْحَقِّ وَالْخَلْقِ وَالْعُلَا وَالرُّفْعَةَ وَالْمَجْدِ وَالْفَضِيلَةَ وَالْحِكْمَةَ وَالْغِنَاءَ وَالسَّعَةَ وَالْبَسْطَ وَالْقَبْضَ وَالْحِلْمَ وَالْعِلْمَ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالنُّعْمَةَ السَّابِغَةَ وَالشَّانِ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ وَالْأَلَاءَ الْكَرِيمَةَ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَمَا فِيهِنَّ تَبَارَكَ اللَّهُ وَتَعَالَى.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلِمَ أَسْرَارَ الْغُيُوبِ وَأَطَّلَعَ عَلَى مَا تَجَنَّى الْقُلُوبُ فَلَيْسَ عَنْهُ

مَذْهَبٌ وَلَا مَهْرَبٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَكَبِّرِ فِي سُلْطَانِهِ الْعَزِيزِ فِي مَكَانِهِ الْمُتَجَبَّرِ فِي مُلْكِهِ الْقَوِيِّ فِي بَطْشِهِ الرَّفِيعِ فَوْقَ عَرْشِهِ الْمُطَّلِعِ عَلَى خَلْقِهِ وَ
الْبَالِغِ لِمَا آزَادَ مِنْ عِلْمِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشَّدَادُ وَتَبَتِ الْأَرْضُونَ الْمِهَادُ وَانْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي الْأَوْتَادُ وَ
جَرَتِ الرِّيَاحُ اللَّوَابِحُ وَسَارَتْ فِي جَوْ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَوَقَفَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبَحَارُ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ عَنْ مَخَافَتِهِ وَانْقَمَعَتِ الْأَرْبَابُ
لِرُبُوبِيَّتِهِ.

تَبَارَكْتَ يَا مُحْصِيَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَوَرَقِ الشَّجَرِ وَمُحْيِيَ أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَشْرِ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا
آتَاكَ مُسْتَجِيرًا مُسْتَغِيثًا مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَاخَ بِفِنَائِكَ وَتَعَرَّضَ لِرِضَاكَ وَغَدَا إِلَيْكَ فَحَثَا بَيْنَ يَدَيْكَ يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ فَلَا يَكُونَنَّ يَا
رَبِّ حَظِّي مِنْ دُعَائِي الْجَزْمَانَ وَلَا نَصِيبِي مِمَّا أَرْجُو مِنْ مَنَّكَ الْخِذْلَانَ يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ وَلَا يَزُولُ كَمَا لَمْ يَزَلْ قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ
بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولُ وَشُهُورَهَا تَحْوُلُ وَسِنِّيهَا تَدُورُ وَأَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِيكَ الْأَزْمَانُ وَلَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ
جَدِيدٌ وَكُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ لِلضَّعِيفِ وَالْقَوِيِّ وَالشَّدِيدِ فَسَمَّتِ الْأَرْزَاقُ بَيْنَ الْخَلَائِقِ فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَالْعُصْفُورِ.

اللَّهُمَّ إِذَا صَادَقَ الْمُقْدَامُ بِالنَّاسِ فَنَعُوذُ بِكَ فِي ضَيْقِ الْمُقْدَامِ اللَّهُمَّ إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ فَقَصِّرْ طُولَ ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَيْنَا كَمَا بَيْنَ
الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ اللَّهُمَّ إِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ مِنَ الْجَمَاحِمِ فَكَانَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجَمَاحِمِ مِقْدَارُ مِيلٍ وَزَيْدٍ فِي حَرِّهَا حَرٌّ عَشْرَ سِنِينَ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ
تُظِلَّنَا بِالْغَمَامِ وَتَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَالْكَرَاسِيَّ نَجْلِسُ عَلَيْهَا وَالنَّاسُ يُنْطَلِقُونَ فِي الْمَقَامِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ
إِلَّا غَفَرْتَ لِي وَتَجَاوَزْتَ عَنِّي وَالْبَسْتَنِي الْعَافِيَةَ فِي

بَدَنِي وَرَزَقْتَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي فَأَنِّي أَسْأَلُكَ وَأَنَا وَاثِقٌ بِإِحَابَتِكَ إِنِّي فِي مَسْأَلَتِي وَأَدْعُوكَ وَأَنَا عَالِمٌ بِأَسْمَاءِ تِمَاعِكَ دَعْوَتِي فَاسْتَمِعْ دُعَائِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تَرُدَّ ثَنَائِي وَلَا تُحَيِّبْ دُعَائِي.

أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رِضْوَانِكَ وَفَقِيرٌ إِلَى غُفْرَانِكَ أَسْأَلُكَ وَلَا آيِسُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَدْعُوكَ وَأَنَا غَيْرٌ مُحْتَرِزٌ مِنْ سَخَطِكَ رَبِّ فَاسَّ تَجِبْ لِي وَآمِنُنْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ تَوْفَىي مُسْلِمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ رَبِّ لَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ يَا مَنَّانُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي مَحْذُولًا يَا حَنَّانُ.

رَبِّ ازْحَمْ عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحِبِّهِ صَرْعَتِي وَعِنْدَ سَكُونِ الْقَبْرِ وَحَدَتِي وَفِي مَفَازِهِ الْقِيَامَةِ غُرْبَتِي وَبَيْنَ يَدَيْكَ مَوْفُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتَبِي رَبِّ اسْتَجِيرِكَ مِنَ النَّارِ وَأَجْرِنِي رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِدْ لِي أَفْعُ الْيَكَّ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْ لِي رَبِّ اسْتَرْحِمْكَ مَكْرُوبًا فَازْحَمْنِي رَبِّ اسْتَعْفِرْكَ لِمَا جَهِلْتُ فَاعْفِرْ لِي قَدْ أَبْرَزَنِي الدُّعَاءَ لِلْحَاجَةِ إِلَيْكَ فَلَا تُؤَسِّنِي يَا كَرِيمُ ذَا الْأَلَاءِ وَالْإِحْسَانِ وَالتَّجَاوُزِ.

يَا سَدِيدِي يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ اسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَصَدِّعِينَ إِلَيْكَ دَعْوَتِي وَازْحَمْ بَيْنَ الْمُنتَحِبِينَ بِالْعَوِيلِ عِبْرَتِي وَاجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْيَا رَاحَتِي وَاسْتُرْ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي وَاعْطِفْ عَلَيَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِيدًا إِلَى حُفْرَتِي إِنَّكَ أَمَلِي وَمَوْضِعُ طَلِبَتِي وَالْعَارِفُ بِمَا أُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسْأَلَتِي فَافْضِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ حَاجَتِي فَالْيَكَّ الْمُشْتَكِي وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُرْتَجَى.

أَفِرُّ إِلَيْكَ هَارِبًا مِنَ الدُّنُوبِ فَاقْبَلْنِي وَالتَّجِي مِنْ عَذَابِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَادْرِكْنِي وَالتَّادِ بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَامْنَعْنِي وَاسْتَرْوِحْ رَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَانْجِنِي وَأَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْكَ بِالإِسْلَامِ فَفَرِّبْنِي وَمِنَ الْفِرَاقِ الْكَبِيرِ فَآمِنْنِي وَفِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي وَمِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَانْجِنِي وَمِنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ فَأَخْرِجْنِي وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَبِّضْ وَجْهِي وَحِسَاباً يَسِيراً فَحَاسِبِ بَنِي وَبِسَرِّ رَائِرِي فَلَا تَقْضِ حُجْبِي وَعَلَى بِلَايِكَ فَصَبِّرْنِي وَكَمَا صَرَفْتَ عَن يُوْسُفَ السُّوءِ وَالْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحْمَلْنِي وَإِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي وَبِالْقُرْآنِ فَانْقَعْنِي وَبِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي وَبِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي وَبِحِلْمِكَ وَعِلْمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنِي وَجَنَّتِكَ الْفِرْدَوْسَ فَاسْكِنْنِي وَالتَّنْظَرَ إِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي وَبِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فَالْحَقْنِي وَمِنَ الشَّيَاطِينِ وَأَوْلِيَائِهِمْ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ فَاحْكُنِي.

اللَّهُمَّ وَاعْدَائِي وَمَنْ كَادَنِي بِسُوءٍ إِنْ اتَّوَا بَرًّا فَجَبَّنْ شَدِّ جَمْعَهُمْ فَضِّ جَمْعَهُمْ كُلُّ سِدِّ لَاحَهُمْ عَرَقَبْ دَوَابَّهُمْ سَلَطْ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَالتَّقَوَاصِفَ أَبَدًا حَتَّى تُصَلِّيَهُمُ النَّارَ أَنْزِلْهُمْ مِنْ صِيَاصِدِ بِيَهُمْ أَمْكِنَّا مِنْ نَوَاصِدِ بِيَهُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً يَشْهَدُ الْأَوْلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَسَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِجْلِ وَالْأَحْرَامِ أْبْلِغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا آمِينَ اللَّهُ.

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَهُوَ كَمَا وَصَفْتُهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤُوفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتَ لَهُ وَأَفْضَلَ مَا هُوَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (1)

ص: 130

1- . ومن تعقيب فريضة المغرب ايضا يختص بها مما روى عن مولاتنا فاطمة الزهراء من الدعاء عقيب الخمس الصلوات: فلاح السائل ص 283، بحار الانوار ج 83 ص 102.

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ وَ مُلْكِهِ سُبْحَانَ مَنْ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَرْمَتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ وَ حَاصِرِ الْبَحَارِ وَ نَاصِدِ الْجِبَالِ وَ بَارِي الْحَيَوَانِ وَ خَالِقِ الشَّجَرِ وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ وَ مَدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ مُدَبِّرِ السَّحَابِ وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَعْوَارِ الْأَرْضِ مُتَصَادِعَاتٍ فِي الْهَوَاءِ وَ مُهَبِّطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ وَ بِشُكْرِهِ تُسَبِّحُ الدَّرَجَاتُ الرِّيَّادَاتُ وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ بَعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِدِيَّاتُ وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ سَاتِرِ الْعُورَاتِ قَابِلِ الْحَسَنَاتِ مُقِيلِ الْعَثَرَاتِ مُنْفَسِ الْكُرْبَاتِ مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ مُحْيِي الْأَمْوَاتِ إِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاهٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ

بِرَّكَهٖ وَزِيَادَهٗ وَرَحْمَهٗ وَنِعْمَهٗ وَكَرَامَهٗ وَفَرِيضَهٗ وَسَرَآءَ وَصِدْقَهٗ وَشِدْدَهٗ وَرَحَاءَهٗ وَمُصِيبَهٗ وَبَلَاءَهٗ وَعُسْرٍ وَيُسْرٍ وَغَنَاءٍ وَفَقْرٍ وَعَلَىٰ كُلِّ حَالٍ وَفِي
كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ وَكُلِّ مَثْوَىٰ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدٌ بِكَ فَأَعِدْنِي وَمُسْتَجِيرٌ بِكَ فَأَجِرْنِي وَمُسْتَعِينٌ بِكَ فَأَعِنِّي وَمُسْتَعِيثٌ بِكَ فَأَعِثْنِي وَدَاعِيكَ فَأَجِبْنِي وَمُسْتَعْفِرُكَ فَأَغْفِرْ لِي وَ
مُسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصِرْ رُبِّي وَمُسْتَهْدِيكَ فَأَهْدِنِي وَمُسْتَكْفِيكَ فَأَكْفِنِي وَمُلْتَجِي إِلَيْكَ فَأَوِنِي وَمُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكَ فَأَعْصِمْنِي وَمُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ فَأَكْفِنِي وَ
اجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ وَحَوَارِكَ وَحُوزِكَ وَكَنْفِكَ وَحِيَاطَتِكَ وَحِرَاسَتِكَ وَكِلَاءَتِكَ وَحَرَمِكَ وَأَمْنِكَ وَتَحْتِ ظِلِّكَ وَتَحْتِ جَنَاحِكَ وَ
اجْعَلْ عَلَيَّ جُنَّةً وَقِيَّةً مِنْكَ وَاجْعَلْ حِفْظَكَ وَحِيَاطَتَكَ وَحِرَاسَتَكَ وَكِلَاءَتَكَ مِنْ وَرَائِي وَأَمَامِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَ
مِنْ تَحْتِي وَحَوَالِي حَتَّىٰ لَا يَصِلَ لِي أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَىٰ مَكْرُوهِی وَأَذَىٰ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَبَغْيَ الْبَاغِينَ وَكَيْدَ الْكَائِدِينَ وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَحِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ وَغِيْلَةَ الْمُغْتَالِينَ وَغَيْبَةَ الْمُغْتَابِينَ وَظُلْمَ
الظَّالِمِينَ وَجَوْرَ الْجَائِرِينَ وَاعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَسَخَطَ الْمُتَسَخِّطِينَ وَتَسَدُّ حُبِّ الْمُتَسَدِّحِينَ وَصَوْلَةَ الصَّائِلِينَ وَافْتِسَارَ الْمُفْتَسِرِينَ وَعَشَمَ
الْعَاشِمِينَ وَخَبْطَ الْخَابِطِينَ وَسَعَايَةَ السَّاعِينَ وَنَمِيمَةَ النَّمَامِينَ وَسِحْرَ السَّحْرَةِ وَالْمَرَدَةَ وَالشَّيَاطِينَ وَجَوْرَ السَّلَاطِينَ وَمَكْرُوَةَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَأَسْأَلُكَ لَهُ الظُّلْمَ وَسَبَّحْتَ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَوَجَلَتْ
مِنْهُ الْقُلُوبُ وَخَضَعَتْ

لَهُ الرَّقَابُ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ عَمْدًا أَوْ خَطَأً سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا وَ هُدًيًا وَ نُورًا وَ عِلْمًا وَ فَهْمًا حَتَّى أُقِيمَ كِتَابَكَ وَ أَجَلَ حَلَالِكَ وَ أَحْرَمَ حَرَامِكَ وَ أُوَدِّيَ فَرَائِضَكَ وَ أَقِيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَ اخْتِمْ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

اللَّهُمَّ إِذَا فَنِيَ عُمْرِي وَ تَصَدَّرَتْ أَيَّامُ حَيَاتِي وَ كَانَ لَا بَدَّ لِي مِنْ لِقَائِكَ فَاسْأَلْكَ يَا لَطِيفُ أَنْ تُوجِبَ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغْبِطُنِي بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ اقْبَلْ مِدْحَتِي وَ التَّهْنِيفِي وَ ارْحَمْ ضَرَاعَتِي وَ هَتَافِي وَ إِقْرَارِي عَلَى نَفْسِي وَ اعْتِرَافِي فَقَدْ اسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ وَ خُشُوعِي فِي الضَّارِعِينَ وَ مِدْحَتِي فِي الْقَائِلِينَ وَ تَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ وَ أَنْتَ مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَ مُغِيثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ غِيَاثُ الْمَلْهُوفِينَ وَ حِرْزُ الْهَارِبِينَ وَ صَرِيحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُقْبِلُ الْمُذْنِبِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ دَاحِي الْمَدْحُوتِ وَ بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ وَ جِبَالِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيَّهَا وَ سَعِيدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ رَوَافِهِ تَحِيَّاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ وَ الذَّابِّ عَنْ حَرَمِكَ وَ الصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَ الْمُسْتَدِّ بِآيَاتِكَ وَ الْمُؤَفِّي لِنُدْرِكَ.

اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِكُلِّ فَضِيْلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ وَ حَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ وَ مَنْزِلَةٍ مِنْ مَنَازِلِهِ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا وَ عَلَى مَكْرُوهٍ بَلَائِكَ صَدَابِرًا وَ لِمَنْ عَادَاكَ مُعَادِيًا وَ لِمَنْ وَالَاكَ مُوَالِيًا وَ عَنْ مَا كَرِهْتَ نَائِيًا وَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ دَاعِيًا فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ وَ خَصَائِصَ مِنْ عَطَائِكَ وَ حَبَائِكَ تُسْنِي بِهَا أَمْرَهُ وَ تُعَلِّي

بِهَا دَرَجَتُهُ مَعَ الْقَوْمِ بِقِسْطِكَ وَالذَّائِبِينَ عَنْ حَرَمِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى سَنَاءٌ وَلَا بَهَاءٌ وَلَا رَحْمَةٌ وَلَا كِرَامَةٌ إِلَّا خَصَّصْتَ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ وَآتَيْتَهُ مِنْهُ الدُّرَى وَبَلَّغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَجَمِيعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَحِفْظِكَ وَعِزِّكَ وَمَنْعِكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ حَسْبِي أَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالشِّدَّةِ وَالرِّخَاءِ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ «رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»، «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رُبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، «رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا».

«رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ»، «رَبَّنَا إِنَّا أَمَتًا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ».

«رَبَّنَا لَا تُؤْخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»، «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ».

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا. (1)

ص: 134

1- . و من المهمات أيضا بعد صلاة العشاء الآخرة الدعاء المختص بهذه الفريضة... مِنْ أَدْعِيَةِ مَوْلَاتِنَا فَاطِمَةَ عَ عَقِيبِ الْخَمْسِ الْمَقْرُوضَاتِ: فلاح السائل ونجاح المسائل 251، بحار الانوار ج 83 ص 115.

دعای بعد نماز صبح (دعای حریق)

متن زیر را سه بار می خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشَدَّ هِدْكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَآوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَآءَكَ وَرُسُلَكَ وَوَرَثَةَ أَنْبِيَآءِكَ وَرُسُلِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ فَاشْهَدْ لِي وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحَدِّدْ لِي شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضَى مَجَلُّ مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِعُ فُؤُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِي الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ فَخَرُّ مَدْحِهِ وَعَدَا وَصَفَ الْوَاصِعِينَ مَائِثُ حَمْدِهِ وَجَلَّ عَنْ مَقَالِهِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلُ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ .

سپس این متن زیر را یازده بار می خوانی:

ص: 135

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سِيسِ اِين مَتْنِ زِيرَا يازده بار می خوانی:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمَلَأَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضَهُ وَعَدَدَ مَا جَرَى بِهِ قَلَمُهُ وَأَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ وَرَضَى نَفْسِهِ.

سپس ادامه دعا را یک بار می خوانی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ وَصَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ وَصَلِّ عَلَى رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ الْجَنَانِ وَصَلِّ عَلَى مَالِكٍ وَخَزَنَةِ النَّيِّرَانِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَفَظَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَالسَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالْحَفَظَةِ لِبَنِي

أَدَمَ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ مَلَائِكَةِ الْأَرْضِ بَيْنَ السُّفُلَى وَ مَلَائِكَةِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْبِحَارِ وَ
الْأَنْهَارِ وَ الْبَرَارِ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْفَقَارِ وَ الْأَشْجَارِ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَسْيِيحِكَ وَ تَقْدِيرِكَ وَ عِبَادَتِكَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى آبِنَا آدَمَ وَ أُمَّنَا حَوَاءَ وَ مَا وُلِدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى
أَصْحَابِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِ الْمُطَهَّرَاتِ وَ عَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بَشَرَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وُلِدَ مُحَمَّدًا وَ عَلَى كُلِّ امْرَأَةٍ
صَالِحَةٍ كَفَلَتْ مُحَمَّدًا وَ عَلَى كُلِّ مَلَكٍ هَبَطَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ

عَلَى كُلِّ مَنْ فِي صَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ رِضَى لَكَ وَرِضَى لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَى وَتُرِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَى مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَدَّقْتَهُ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا وَالْفُضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَاعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى وَزِدْهُ بَعْدَ الرِّضَى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَدَاقِهِ صَدَّقْتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ عَرَفْتَهُ وَلَفْظِهِ وَلِحُظِّهِ وَنَفْسِهِ وَصِفَتِهِ وَسُكُونِهِ وَحَرَكَتِهِ مِمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَمِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَبَعْدَ سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَسَعُودَاتِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ وَحَقَائِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ وَصِفَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ وَشُهُورِهِمْ وَسِنِينِهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ وَبَعْدَ زَنَبِهِ دَرَّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكَأَصَدِّعَافٍ ذَلِكَ أَصَدِّعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَا خَلَقْتَ وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَلَاةً تُرْضِيهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَا ذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ وَالْمَنْ وَالْفُضْلُ وَالطَّوْلُ وَالْخَيْرُ وَالْحُسْبَانِي وَالنُّعْمَةُ وَالْعِظْمَةُ وَالْجَبْرُوتُ وَالْمُلْكُ وَالْمَلَكُوتُ وَالْقَهْرُ وَالسُّلْطَانُ وَالْفَخْرُ وَالسُّؤْدُودُ وَالْإِمْتِنَانُ وَالْكَرَمُ وَالْجَلَالُ وَالْخَيْرُ وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمَجِيدُ وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّقْدِيرُ وَالرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ وَالكِبْرِيَاءُ وَالْعِظْمَةُ وَلكَ مَا زَكَ وَطَابَ وَطَهَرَ مِنَ الشَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَالمَدِيحِ الفَاخِرِ وَالقَوْلِ الحَسَنِ الجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَن قَائِلِهِ وَ يَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ رِضَى لَكَ يَنْصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوَّلِ الحَامِدِينَ وَ ثَنَائِي بِثَنَاءِ أَوَّلِ المُثَنِّينَ عَلَى رَبِّ العَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ وَ تَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ المُهْلِلِينَ وَ تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ المُكَبِّرِينَ وَ قَوْلِي الحَسَنَ الجَمِيلَ بِقَوْلِ أَوَّلِ القَائِلِينَ المُجْمَلِينَ المُثَنِّينَ عَلَى رَبِّ العَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ وَبَعْدَ زَنَبِهِ دَرَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَالرَّمَالِ وَ

التَّلَالِ وَالْجِبَالِ وَعَدَدِ جُرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ وَعَدَدِ النُّجُومِ وَعَدَدِ الشَّرَى وَالْحَصَى وَالتَّوَى وَعَدَدِ زَيْهِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَعَدَدِ زَيْهِ ذُرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَبَعْدَ حُرُوفِ الْفَاطِ أَهْلِيَّ وَعَدَدِ رَمَقِهِمْ وَأَزْمَانِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَشَعَائِرِهِمْ وَسَاعَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ وَشُهُورِهِمْ وَسِنِّيهِمْ وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ وَأَسْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ وَعَدَدِ زَيْهِ ذُرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطَنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَدَدِ زَيْهِ ذُرِّ ذَلِكَ وَاضِدِّ عَافِ ذَلِكَ وَكَاضِدِّ عَافِ ذَلِكَ أَضِدِّ عَافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَلَا يُحْصِيهَا غَيْرِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ وَمُسْتَحَقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبِّ اسْتَحْدَثْنَاكَ وَلَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيْشِدُ رُكُوكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ وَلَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتَهُ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أُعِيدُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ وَنَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَقَرَابَاتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَكُلَّ ذِي رَحِمٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَوْ يَدْخُلُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحُرَاتِي وَخَاصَّتِي وَمَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسَدَى إِلَيَّ يَدًا أَوْ رَدَّ عَنِّي غَيْبَةً أَوْ قَالَ فِيَّ خَيْرًا أَوْ اتَّخَذْتُ عِنْدَهُ يَدًا أَوْ صَنِيعَةً وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَبِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ

الْمُتَعَالِيَةِ الرَّكِيَّةِ الرَّاٰكِيَةِ الشَّرِيْفَةِ الْمُنِيْعَةِ الْكَرِيْمَةِ الْعَظِيْمَةِ الْمَحْزُوْنَةِ الْمَكْنُوْنَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهِنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ وَبِأَمِّ الْكِتَابِ وَخَاتِمَتِهِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورِهِ شَرِيْفِهِ وَ آيِهِ مُحْكَمِهِ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ وَ عُودَةٍ وَ بَرَكَهٍ وَ بِالتَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِيْلِ وَ الزَّبُوْرِ وَ الْفُرْقَانِ وَ صُحُفِ إِبْرَاهِيْمَ وَ مُوسَى وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللهُ وَ بِكُلِّ رَسُوْلٍ أَرْسَلَهُ اللهُ وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللهُ وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللهُ وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنْارَهُ اللهُ وَ بِكُلِّ آلَاءِ اللهِ وَ عَظَمَتِهِ أُعِيْدُ.

وَ أَسَدٍ تَعِيْدُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ أَكْبَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِيْنِ وَ السَّلَاطِيْنِ وَ إِبْلِيسَ وَ جُنُوْدِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الثُّوْرِ وَ الظُّلْمَةِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَلَمَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ آفَةٍ وَ نَدَمٍ وَ نَازِلَةٍ وَ سُقْمٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ تَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النَّارِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْأَرْضِيْنَ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْفَقَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ مِنْ شَرِّ الْفُسَاقِ وَ الْفُجَّارِ وَ الْكُهَّانِ وَ الشُّحَّارِ وَ الْحَسَادِ وَ الدُّعَارِ وَ الْأَشْرَارِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخِيْدُ بِنَاصِيَةِ بَيْتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ».

وَ أَعُوْذُ بِكَ اللهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَ الْعَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُهْلِ وَ مِنَ صَدَلِ الدِّيْنِ وَ غَلْبَةِ الرَّجَالِ وَ مِنَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنَ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ مِنْ نَصِيْحَةٍ لَا تَنْجَعُ وَ مِنْ صَحَابَةٍ لَا تَرْدَعُ وَ مِنْ اجْتِمَاعٍ عَلَى نُكْرٍ وَ تَوَدُّدٍ عَلَى خُسْرِ أَوْ تَوَخُّدٍ عَلَى خُبْثٍ وَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

مُحَمَّدٌ وَمَلَائِكَةُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلُونَ وَالْأَيِّمَةَ الْمُطَهَّرُونَ وَالشَّهَادَةَ وَالصَّالِحِينَ وَعِبَادَكَ الْمُتَّقِينَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا وَأَنْ تُعِينَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلَهُ وَآجِلَهُ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي وَوَلَدِي وَقَرَابَاتِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى جِيرَانِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ اتَّخَذَ عِنْدِي صَدِيقًا أَوْ أَسَدَى إِلَى يَدَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَيَرْزُقُنِي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ لِي بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تُصَلِّ لَهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَاصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تُصَلِّ لَهُمْ مِنْ الشُّرِّ وَالرَّذَى وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَوَلِيِّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرَجِي وَفَرَجَ عَنِّي وَعَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ وَمَغْمُومٍ وَمَدْيُونٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ وَاشْهَدْنِي أَيَّامَهُمْ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَإِقِيَّةً حَتَّى لَا تَخْلُصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ وَعَلَى مَعَهُمْ وَعَلَى شِيَعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَلَى أَوْلِيَائِهِمْ وَ

عَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَ أَلْتَجِي إِلَى اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَحَاوِلُ وَ أَصَاوِلُ وَ أَكَاثِرُ وَ أَفَاخِرُ وَ أَعْتَرُ وَ أَعْتَصِمُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَدَدَ الثَّرَى وَ النَّجْمِ وَ الْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ. (1)

ص: 142

1- . در اینجا سه نکته ذکر می کنم: * نکته اول: چرا این دعا، برای بعد نماز صبح است به دلیل این که شیخ طوسی آن را در باب «تعقیبات نماز صبح» آورده است: قال الشيخ الطوسي في مصباح المتعجب ص 220 في باب التعقيب المختص لصلاة الفجر: «ثم تدعو بدعاء الكامل المعروف بدعاء الحريق» و راجع بحار الانوار ج 83 ص 170. * نکته دوم: چرا این دعا را «دعای حریق» می نامند؟ به دلیل کلامی که علامه مجلسی از کتاب «البلد الامین» کفعمی نقل کرده است: «إِنَّمَا سُمِّيَ هَذَا الدُّعَاءُ بِدُعَاءِ الْحَرِيقِ لِمَا رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ يَقُولُ كُنْتُ مَعَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عِ بَقْبَا يَعُودُ شَيْخًا مِنَ الْأَنْصَارِ إِذَا أَتَى أَبِي آتٍ وَقَالَ لَهُ الْحَقُّ دَارَكَ فَقَدْ احْتَرَقَتْ... بحار الأنوار ج 83 ص 172. * نکته سوم: به چه دلیل این دعا را حضرت فاطمه می خواندند؟ ادامه کلامی که علامه مجلسی از کفعمی نقل می کند چنین است: «وَهُوَ سِرٌّ أَتَى بِهِ جَبْرِئِيلُ إِلَى النَّبِيِّ ص فَعَلَّمَهُ عَلَيْهِ وَأَبْنَتْهُ فَاطِمَةُ وَ تَوَارَثْنَا نَحْنُ...»: بحار الأنوار ج 83 ص 172. این کلام ظاهر در این است که حضرت فاطمه 3 این دعا را از پیامبر آموخته اند و آن را می خواندند.

يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَأَقْدَمَهُ قِدَمًا فِي الْعِزِّ وَالْجَبْرُوتِ، يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَ كُلِّ مُتَرْحِمٍ وَمَفْرَعِ كُلِّ مَلْهُوفٍ يَا رَاحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو بَنَّهُ وَحُزْنَهُ إِلَيْهِ، يَا اللَّهُ يَا خَيْرَ مَنْ طَلِبَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَأَسْرَعَهُ إِعْطَاءً، يَا مَنْ تَخَافُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَوَقِّدَةَ بِالنُّورِ مِنْهُ أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَيُسَبِّحُونَ بِهَا شَفَقَهُ مِنْ خَوْفِ عَذَابِكَ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا جَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجَبْتَنِي وَكَشَفْتَ كُرْبَتِي يَا إِلَهِي وَسَتَرْتَ ذُنُوبِي يَا مَنْ يَأْمُرُ بِالصَّيْحَةِ فِي خَلْقِهِ «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ مُحْشُورُونَ» وَبِذَلِكَ الْإِسْمِ الَّذِي تُحْيِي بِهِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي وَتَشْرَحَ صَدْرِي وَتُصَلِّحَ شَأْنِي يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ وَخَلَقَ لِبَرِيَّتِهِ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ، يَا مَنْ فَعَلَهُ قَوْلٌ وَقَوْلُهُ أَمْرٌ وَأَمْرُهُ مَاضٍ عَلَى مَا يَشَاءُ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهَا خَلِيلُكَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْآيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عَيْسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَبِالْإِسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ

الضَّرَّ وَبِالاسْمِ الَّذِي تُبِتَ عَلَى دَاوُدَ وَ سَحَّرْتَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَ الشَّيَاطِينَ وَ عَلَّمْتَهُ مَنَاطِقَ الطَّيْرِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ
وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْكُرْسِيِّ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيِّينَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ
جَمِيعَ الْخَلْقِ وَ جَمِيعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَيْءٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ بِهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَّا أَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَ قَضَيْتَ حَوَائِجِي يَا كَرِيمٌ. (1)

ص: 144

1- . دلائل الامامه ص 6، بحار الانوار ج 92 ص 404.

پى نوشتها

۱. الكافي ج ۱ ص ۱۱۸، التوحيد للصدوق ص ۳۱۲.
۲. علل الشرايع ج ۱ ص ۱۵، بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۳۳.
۳. الكافي ج ۳ ص ۱۷۸، بحار الأنوار ج ۶ ص ۱۹۶.
۴. مناقب آل ابي طالب ج ۲ ص ۲۷۸، بحار الأنوار ج ۳۵ ص ۳۹۶ تفسير العياشي ج ۱ ص ۱۳۹.
۵. الكافي ج ۱ ص ۸۲، التوحيد ص ۱۰۶.
۶. الخصال ص ۲۰۳، بحار الأنوار ج ص ۸۷، وسائل الشيعة ج ۲۵ ص ۳۳۵.
۷. الإرشاد ج ۲ ص ۲۰۴، تفسير نور الثقلين ج ۳ ص ۴۲۰.
۸. معجم مقاييس اللغة ج ۴ ص ۵۶، التحقيق في كلمات القرآن ج ۸ ص ۱۸۳، النهاية في غريب الحديث ج ۳ ص ۳۷۳، لسان العرب ج ۵ ص ۲۵.
۹. مفردات غريب القرآن ص ۱۴۹، تاج العروس ج ۱ ص ۸۷.
۱۰. الأمالي للصدوق ص ۵۴۵، التوحيد للصدوق ص ۱۷۸، عيون أخبار الرضا ج ۲ ص ۱۰۵، وسائل الشيعة ج ۱۴ ص ۳۲۵، الاحتجاج ج ۲ ص ۱۸۹، جامع أحاديث الشيعة ج ۱۲ ص ۲۳۳، تفسير نور الثقلين ج ۵ ص ۶۰.
۱۱. كتاب فتوحات مكيته (لمحيى الدين عربى) ج ۲ ص ۶.
۱۲. المحاسن ج ۱ ص ۱۶۵، الكافي ج ۲ ص ۱۲۶، معانى الاخبار ص ۳۹۸، وسائل الشيعة ج ۱۶

ص ١٦٨.

١٣. بحار الأنوار ج ٢٩ ص ١٥٧.

١٤. بحار الأنوار ج ٢٩ ص ٣٢ وراجع: عمدة القاري ج ١٥ ص ٢٠، كنز العمال ج ٥ ص ٦٠٥، سير

أعلام النبلاء ج ٢ ص ١٢١، تاريخ الإسلام للذهبي ج ٣ ص ٤٧، البداية والنهاية ج ٥ ص ٣١٠.

١٥. كتاب سليم بن قيس ص ٣٩١، بحار الأنوار ج ٢٨ ص ٣٠٣، علل الشرائع ج ١ ص ١٨٧، بحار

الأنوار ج ٤٣ ص ٢٠٣.

١٦. كتاب سليم بن قيس ص ٣٩١، بحار الأنوار ج ٢٨ ص ٣٠٣ و ج ٤٣ ص ١٩٩.

١٧. المناقب لابن شهر آشوب ج ٤ ص ١١١؛ بحار الأنوار ج ٤٥ ص ٥٥.

١٨. بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ١١٥.

١٩. الكافي ج ٨ ص ١٥٥ وسائل الشيعة ج ٣ ص ١٦٣، الجواهر السنوية ص ٤٦، جامع أحاديث

الشيعة ج ٣ ص ٣٩٥، تفسير نور الثقلين ج ٢ ص ٤٧٤.

٢٠. التوحيد للصدوق ص ٨٩، بحار الأنوار ج ٣ ص ٢٢٢، تفسير مجمع البيان ج ١٠ ص ٤٨٦،

تفسير نور الثقلين ج ٥ ص ٧٠٨.

٢١. الكافي ج ٢ ص ٤٠٠، مستدرک الوسائل ج ١ ص ١٦٦.

٢٢. كمال الدين ج ٢ ص ٣٦٨

٢٣. و من المهمات عقيب الخمس الصلوات ما كانت الزهراء فاطمة سيدة نساء العالمين ع تدعو به

فمن ذلك دُعَاؤُهَا عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظُّهْرِ: فلاح السائل ص ١٧٣، بحار الانوار ج ٨٣ ص ٦٦.

٢٤. وَ مِنْ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ عَقِيبَ الْعَصْرِ بِمَا كَانَتْ الزَّهْرَاءُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النَّسَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا

تَدْعُو بِهِ فِي جُمْلَةٍ دُعَائِهَا لِلْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ: فلاح السائل ص ٢٠٢، بحار الانوار ج ٨٣ ص ٨٥.

٢٥. و من تعقيب فريضة المغرب ايضا يختص بها مما روي عن مَوْلَاتِنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ مِنْ الدُّعَاءِ

عَقِيبَ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ: فلاح السائل ص ٢٨٣، بحار الانوار ج ٨٣ ص ١٠٢.

٢٦. و من المهمات أيضا بعد صلاة العشاء الآخرة الدعاء المختص بهذه الفريضة... مِنْ أَدْعِيَةِ مَوْلَاتِنَا

دعای مادرم / ۱۴۷

فَاطِمَةُ عَ عَقِيبِ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ: فلاح السائل و نجاح المسائل ۲۵۱، بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۱۵.

۲۷. در اینجا سه نکته ذکر می‌کنم:

* نکته اول: چرا این دعا، برای بعد نماز صبح است به دلیل این که شیخ طوسی آن را در باب «تعقیبات نماز صبح» آورده است: قال الشيخ الطوسي في مصباح المتعجب ص ۲۲۰ فی باب التعقیب المختص لصلاة الفجر: «ثم تدعو بدعاء الكامل المعروف بدعاء الحريق» و راجع بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۷۰.

* نکته دوم: چرا این دعا را «دعای حریق» می‌نامند؟ به دلیل کلامی که علامه مجلسی از کتاب «البلد الامین» کفعمی نقل کرده است: «انما سُمِّيَ هَذَا الدُّعَاءُ بِدُعَاءِ الْحَرِيقِ لِمَا رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ يَقُولُ كُنْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عِ بَقْبَا يُعُودُ شَيْخًا مِنْ الْأَنْصَارِ إِذَا أَتَى أَبِي آتٍ وَقَالَ لَهُ الْحَقُّ دَارَكَ فَقَدِ احْتَرَقَتْ... بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۱۷۲.

* نکته سوم: به چه دلیل این دعا را حضرت فاطمه (س) می‌خواندند؟ ادامه کلامی که علامه مجلسی از کفعمی نقل می‌کند چنین است: «وَهُوَ سِرٌّ أَتَى بِهِ جَبْرَائِيلُ إِلَى النَّبِيِّ ص فَعَلَّمَهُ عَلِيًّا وَ ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ تَوَارَثْنَا نَحْنُ...»: بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۱۷۲. این کلام ظاهر در این است که حضرت فاطمه ۳ این دعا را از پیامبر آموخته‌اند و آن را می‌خواندند.

۲۸. دلائل الامامة ص ۶، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۴۰۴.

- 9 . تفسير العياشي، أبو النضر محمد بن مسعود السلمى السمرقندى المعروف بالعياشى (ت 320 هـ)، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، طهران : المكتبة العلميه ، الطبعة الأولى ، 1380 هـ .
- 10 . تفسير نور الثقلين ، عبدعلّى بن جمعه العروسى الحويزى (ت 1112 هـ) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، قم : مؤسسه إسماعيليان ، الطبعة الرابعه، 1412 هـ .
- 11 . التوحيد ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 هـ) ، تحقيق : هاشم الحسينى الطهرانى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الأولى ، 1398 هـ .
- 12 . جامع أحاديث الشيعة ، السيّد البروجردى (ت 1383 هـ) ، قم : المطبعة العلميه .
- 13 . الجواهر السنيه فى الأحاديث القدسيه، محمد بن الحسن بن على بن الحسين الحرّ العاملى (ت 1104 هـ) ، قم : مكتبه المفيد.
- 14 . الخصال ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، قم : منشورات جماعه المدرّسين فى الحوزه العلميه .
- 15 . دلائل الإمامه، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى الإمامى (ق 5هـ)، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه البعثه.
- 16 . سير أعلام النبلاء ، أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبى (ت 748 هـ) ، تحقيق : شُعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعة العاشره، 1414 هـ .
- 17 . علل الشرائع ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 هـ) ، تقديم : السيّد محمد صادق بحر العلوم ، 1385 هـ ، النجف الأشرف : منشورات المكتبه الحيدريه .
- 18 . عمدہ القارى شرح البخارى ، أبو محمد بدر الدين أحمد العينى الحنفى (ت 855 هـ) ، مصر : دار الطباعه المنيريه .
- 19 . عيون أخبار الرضا ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 هـ) ، تحقيق : الشيخ حسين الأعلمى ، 1404 هـ ، بيروت : مؤسسه الأعلمى للمطبوعات .

- 20 . فلاح السائل ، أبو القاسم علي بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس (ت 664 هـ) ، قم : مكتب الإعلام الإسلامي .
- 21 . الكافي ، أبو جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت 329 هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، طهران : دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الثانية ، 1389 هـ .
- 22 . كتاب سليم بن قيس ، سليم بن قيس الهلالي العامري (ت حوالي 90هـ) ، تحقيق : محمد باقر الأنصاري ، قم : نشرالهادي ، الطبعة الأولى ، 1415هـ .
- 23 . كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامي ، الطبعة الأولى ، 1405هـ .
- 24 . كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي (ت 975 هـ) ، ضبط وتفسير : الشيخ بكرى حيتاني ، تصحيح وفهرسه : الشيخ صفوه السقا ، بيروت : مؤسه الرساله ، الطبعة الأولى ، 1397 هـ .
- 25 . لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصري (ت 711 هـ) ، بيروت : دار صادر ، الطبعة الأولى ، 1410 هـ .
- 26 . مجمع البيان في تفسير القرآن ، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت 548 هـ) ، تحقيق : السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي ، بيروت : دار المعرفه ، الطبعة الثانية ، 1408 هـ .
- 27 . المحاسن ، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت 280 هـ) ، تحقيق : السيد مهدي الرجائي ، قم : المجمع العالمي لأهل البيت ، الطبعة الأولى ، 1413 هـ .
- 28 . مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل ، الميرزا حسين النوري (ت 1320 هـ) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت ، قم : مؤسه آل البيت ، الطبعة الأولى ، 1408 هـ .
- 29 . مصباح المتهجد ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي (ت 460 هـ) ، تحقيق : علي أصغر

مروايد، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه، الطبعه الأولى، 1411 هـ .

30. معانى الأخبار، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 هـ)، تحقيق: على أكبر الغفارى، 1379 هـ، قم: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين، الطبعه الأولى، 1361 هـ .

31. معجم مقاييس اللغه، أحمد بن فارس الرازى القزوينى، قم: مكتبه الإعلام الإسلامى .

32. المفردات فى غريب القرآن، أبو القاسم الحسين بن محمد الراغب الإصفهانى (ت 502 هـ)، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، دمشق: دار القلم، الطبعه الأولى، 1412 هـ .

33. مناقب آل أبى طالب (مناقب ابن شهر آشوب)، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهر آشوب المازندرانى (ت 588 هـ)، قم: المطبعه العلميه .

34. النهايه فى غريب الحديث والأثر، أبو السعادات مبارك بن مبارك الجزرى المعروف بابن الأثير (ت 606 هـ)، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى، قم: مؤسسه إسماعيليان، الطبعه الرابعه، 1367 ش .

35. وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (ت 1104 هـ)، تحقيق: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، الطبعه الثانيه، 1414 هـ .

ص: 152

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

